پرولتر های جهان متحد شوید !

مسائل بین المللی

۵

آذر - دی

سال ۱۳۶۴

انتشارات حزب تودهٔ ایران

www.iran-archive.com

قدغن کردن سلاح هسته ای را خواستار شوید !

پوستر جون هارتفیلد (جمهوری دموکراتیك آلمان) از نمایشگاه

سازمان بین المللی روزنامه نگاران «پوستر رزمنده» (براگ مه ـ ژوئن سال ۱۹۸۵)

www.iran-archive.com

فهرست مقالات این شماره :

نویسندگان مقاله ها	عنوان	صفحه
د یمیترا ستانیشف	مسئولیت ملی و انترنا سیونالیسم کمونیست ها	۳ — ۱۴
حید رکوتلو	برای ایجاد " پل حسن همجواری"	۱۵ — ۲۵
کِلِر د اسیلوا	د رمسیر پیشرفت وترقی	۲۶ — ۲۹
روبرت شتایگروالد	د رباره تغییراتی که د رسیستم کار پد یدآمد ه است	۳۰ — ۳۸
محمد ابراهیم نقود	د رآغاز مرحله ای د شوار	۳۹ — ۴۹
ولا د یمیرشلیمن	" ریزوسیاستیمی " ند ای حقیقت است	۵۰ — ۵۴
—	اتحاد شوروی د رنقطه مقابل نقشه های میلیتاریزه کرد ن فضای کیهانی چه ارائه میکند	۵۵ — ۶۰
—	خبرهای کوتاه	۶۱ — ۶۳

مسئولیت ملی و انترناسیونالیسم کمونیست ها

د یمیترا ستانیشف

د بیرکمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان

ازوقتی که ک . مارکس و ف. انگلس د ر " مانیفست حزب کمونیست " شعار" پرولترهای جهان متحد شوید ! " راپیش کشید ند ، مسئله مسئولیت ملی وانترنا سیونالیسم کمونیست ها و تناسب میان ملی وانترنا سیونال د رفعالیت انقلابی — د گرگون سازند ه آنها جای اصلی راد ارامیا شد گ . د یمیتروف باتأکید برارتباط ناگسستنی این د وموضوع خاطرنشان میساخت که : " انترنا سیونالیسم پرولتری نه فقط با مبارزه زحمتکشان کشورهای مختلف د رراه آزاد ی ملی ، اجتماعی وفرهنگی د رتضاد نیست ، بلکه د رپرتوهمبستگی بین المللی پرولتری ووحد ت رزمجویانه پشتیبانی لا زم برای پیروزی د راین نبرد را هم تأمین میکند " (۱) .

برخورد طبقاتی بمسئولیت ملی وانترنا سیونالیستی که ویژهٔ جنبش کمونیستی وکارگری بین المللی ازهمان آغاز پید ایش آنست ، هیچ وجه مشترکی با نیهیلیسم " نفی گرائی " ملی ند ارد . بعکس ، برخورد طبقاتی نیازمند توجه بسیارجد ی به خصائص ویژه ، سدن وشرایط مبارزه است . د رعین حال ملی گرائی (ناسیونالیسم) راهم کمبرای طبقه کارگروزحمتکشان بیگانه است وبامنافع حیاتی آنان د رتضاد میباشد مرد ود میشمارد . تجارب عملی احزاب برادری که این برخورد طبقاتی رارهنمود خود قرارمید هند بهترین د لیل ارج واهمیت باثبات وزوال ناپذ یرآنست .

حزب کمونیست بلغارستان که د رسال ۱۸۹۱ بمنزله پیشروانقلابی طبقه کارگرپد یدآمد ، د رتمام مراحل فعالیت خود مانند : مبارزه علیه حاکمیت بورژوازی ، د رد وران ساختمان پایه های سوسیالیسم واکنون د رجریان بوجود آورد ن جامعه سوسیالیستی پیشرفته ، مسئولیت ملی وانترناسیونالیستی راماهرانه باهم تلفیق کرد ه وتوأم پیمازد . اصول انترنا سیونالیسم پرولتری د رنخستین اسناد ی که حزب بمتصویب رسانید اعلام گرد ید . د رآن اسناد گفته میشد :

---

۱ — گ . د یمیتروف ، مجموعهٔ آثار (بزبان بلغاری) جلد ۱۰ ، صوفیه ، سال ۱۹۵۴ ، ص ۱۱۵ .

www.iran-archive.com

آزادی طبقه کارگر بلغارستان وظیفه مستقیم و بلاواسطه ما است ، ولی انجام آن با پیروزی پرولتاریا در سایر کشورها سخت بهم پیوسته است .

سوسیال دموکراتهای انقلابی بلغارستان از درک مارکسیستی انترناسیونالیسم در مبارزه ایدئولوژیک ـ سیاسی درازمدت ، حاد و سازش ناپذیر دفاع کردند . حزب در همان سال ۱۹۰۳ صفوف خود را از تجدید نظرطلبان و اپورتونیست ها پاک ساخت . این حزب در جنبش کارگری بین المللی (پس از آنکه قاطعانه با انترناسیونال دوم قطع ارتباط نمود) در صف حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه که بوسیله و . ای . لنین رهبری میشد قرار گرفت ، زیرا لیدران انترناسیونال دوم به انترناسیونالیسم پرولتری خیانت کردند . حزب در لیرانه و پیگیر علیه جنگ امپریالیستی و در راه صلح و همبستگی بین المللی کارگری مبارزه میکرد .

حزب ما از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بگرمی استقبال کرد و با تمام نیرو از جمهوری شوراها کمولود انقلاب اکتبر بود پشتیبانی بعمل آورد . حزب کمونیست بلغارستان از نمایندگان انترناسیونال کمونیستی بود و با تمام ترکیب خود بدان پیوست . این حزب برهبری دیمیتروف و همرزمانش براه تبدیل شدن به حزب نوطراز لنینی گام نهاد .

دفاع همه جانبه از حکومت جوان کارگران و دهقانان راکه در روسیه پدید آمده بود ، کمونیست های بلغارستان وظیفه خود اعلام کردند . موضع حزب در این مسئله را به دقیق ترین و روشن ترین وجهی دیمیتروف بیان داشت که برخورد به اتحاد شوروی را " سنگ محک " انترناسیونالیسم انقلابیون پرولتری نامید . در سخنان او نه فقط به نقش عظیم اتحاد جماهیر شوروی بمنزله نخستین سازنده جامعه نوین اعتراف شده است ، بلکه بدین نکته نیز اشاره شده است که استحکام همه جانبه آن عامل نیرومند تسریع و تعمیق پروسه انقلابی جهانی ، تحقق انقلابهای سوسیالیستی در سایر کشورها و در سایر قاره ها است .

از نظر به لنین درباره پیروزی انقلاب سوسیالیستی ابتدا در یک کشور جداگانه ، نتایج پراهمیتی درباره مسئولیت ملی و انترناسیونالیستی کمونیستها بدست میآمد . در نمای جداگانه تدریجی کشورهای گوناگون از سیستم سرمایه داری (بنسبت فراهم شدن شرایط عینی و ذهنی) پدید میآمد و از احزاب کمونیست طلب میکرد ضمن کاربست اصول تئوری انقلابی با توجه بسیار زیاد به شرایط ملی و سنن و مصالح ملی برخورد کنند .

سازگار شدن با شرایط تازه برای حزب کمونیست بلغارستان پروسه دوطرفه ای بود . از یکسو همواره از تجربه غنی جنبش کمونیستی بین المللی و در درجه اول تجربه اتحاد شوروی باتوجه به ویژگی های خاص کشور استفاده میکرد . از جمله حزب آموزش لنین درباره ایجاد و تحکیم اتحاد طبقه

کارگر با دهقانان زحمتکش را بمنزله شرط مقدم پیروزی انقلاب سوسیالیستی پذیرفت . طی ربع قرن سازمان دهنده یا شرکت کننده در چهار عصیان مسلحانه علیه سرمایه داری و فاشیسم بود که در همه حال برپایه اتحاد با نیروهای چپ گرایی اتحاد توده ای کشاورزان بلغارستان صورت میگرفت . از طرف دیگر ، حزب بمنظور انجام وظیفه انترناسیونالیستی خود ، باشکال مختلف از مبارزه زحمتکشان دنیای سرمایه داری پشتیبانی بعمل میآورد . صدها تن از کمونیست های بلغارستان در انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و مبارزه با مداخله گران خارجی که در تلاش خفه کردن آن بودند و همچنین در مبارزه برای دفاع از سیانیای جمهوری و در جنبش مقاومت علیه اشغالگران هیتلری در تعدادی از کشورها شرکت جستند .

در و پیداد درخشان در زندگی حزب ما ، در فاصله بین دو جنگ جهانی ، دلیل و برهان قانع کننده ای در اثبات تلفیق مسئولیت پذیری ملی کمونیستها با انترناسیونالیسم آنها است . در عصیان ضد فاشیستی سپتامبر سال ۱۹۲۳ حزب کمونیست بلغارستان دست اندرکار انجام وظیفه ملی خود بدین شرح بود که از برقراری دیکتاتوری فاشیستی در کشور جلوگیری کند ، ولی در عین حال میباید وظیفه انترناسیونالیستی خود را هم انجام دهد . این وظیفه عبارت بود از ممانعت از اشاعه جغرافیائی هرچه بیشتر " طاعون قهوه ای " که در جهان ظاهر شده بود . در دوران محاکمات لیپزیک در سال ۱۹۳۳ گ . دیمیتروف نه فقط از مردم بلغارستان و حزب ما بلکه از آرمانهای سراسر جنبش کمونیستی و کارگری هم در برابر اتهامات دهشتناک فاشیست ها بطور درخشانی دفاع کرد .

کمونیست های بلغارستان در سالهای مبارزات ضد سرمایه داری و ضد فاشیستی همواره به پشتیبانی و همبستگی برادرانه کمونیست های جهان متکی بودند . سهم جنبش کمونیستی بین ـ المللی و نیروهای مترقی در افشای سیمیت فاشیسم در بلغارستان ، پس از سرکوب عصیان سپتامبر سال ۱۹۲۳ ، در پیروزی دیمیتروف در لیپزیک و نقش قاطع ارتش شوروی در پیروزی عصیان مسلحانه ضد فاشیستی نهم سپتامبر سال ۱۹۴۴ برای همیشه در خاطره سپاسگذار مردم بلغارستان باقی میمانند .

تلفیق درست مسئولیت ملی و تعهد انترناسیونالیستی کمونیست ها پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی در کشور ما بویژه اهمیت زیادی پیدا کرد .

این پیروزی برهبری حزب کمونیست بلغارستان بدست آمد که مسئولیت ملی خود را در نابودی حاکمیت بورژوازی و استثمار انسان بوسیله انسان در سرزمین بلغارستان عمیقاً درک کرده بود . این پیروزی در عین حال سهم خلق ما در انجام مهمترین وظیفه انترناسیونالیستی نیروهای

www.iran-archive.com

مترقی یعنی سرکوبی فاشیسم هیتلری گردید . در نبرد علیه فاشیسم در مراحل نهائی جنگ ده ها هزار تن از سربازان ارتش بلغارستان توده ای جان خود را فدا کردند . وبالاخره انقلاب نهم سپتامبر بمنزله بخش تفکیک ناپذیر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم دست آورد خلق ما و طبقه کارگر جهان در آن واحد بود .

انقلاب سوسیالیستی کشور ما را از بلیه ملی تازه ای رهانید ، تمامیت ارضی آنرا حفظ کرد ، استقلال وحاکمیت آنرا احیاء نمود ، مردم را از ستم سیاسی بورژوازی نجات داد ونیروتوان آنرا آزاد کرد . انقلاب با گشودن راه ها بروی نیروهای سازنده شرایط مادی وسیاسی لازم را برای برطرف ساختن عقبماندگی وتأمین اعتلای پرشتاب اقتصادی وفرهنگی وتحقق آرمانهای جاویدان بلغارها یعنی آزادی ، دموکراسی وعدالت اجتماعی فراهم ساخت .

حزب کمونیست بلغارستان در شرایطی که پس از انقلاب بوجود آمده بود مسامی خود را در این راه متمرکز ساخت که پیروزی نظام اجتماعی نوین را بطور اطمینان بخشی تأمین کند وبا موفقیت در راه سوسیالیسم به پیش رود . کمونیست ها با توجه به منافع زحمتکشان بلغارستان واز دیدگاه منافع طبقاتی پرولتاریای جهانی به انجام این وظیفه کمربستند . تجربه ساختمان سوسیالیستی مانشان میدهد که حزب قادر است تمام وکمال مسئولیت ملی خود را بعهده گیرد ودر عین حال وظیفه انترناسیونالیستی خویش را هم بطور پیگیر انجام دهد .

حزب کمونیست بلغارستان در جریان ساختمان جامعه نوقانونمندیهای عام گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم را بکار می بست . تصادفی نیست که رفیق ت . ژیوکف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان انقلاب سوسیالیستی نهم سپتامبر را " تکرار انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در حد اصول عمده آن . . . در شرایط کشور ما " (۱) نامید . در ضمن حزب این سخنان لنین را هم بخاطر داشت که : " در برخورد های کنکرت هرکشور به حل وفصل وانجام وظیفه واحد انترناسیونالیستی " باید " ویژگی ملی وملی تیپیک را بررسی کرد ، آموخت ، جستجو کرد ، یافت وگرفت ... " (۲) . حزب کمونیست بلغارستان درست بر پایه تلفیق قانونمندیهای عام با ویژگیهای تیپیک کشور در پنجمین کنگره خود در سال ۱۹۴۸ برنامه جامع ساختمان سوسیالیسم را از طریق کار بست خلاق مارکسیسم ــ لنینیسم تهیه وتدوین کرد .

حزب در مرحله نخستین با وجود دشواریهای بیشمار هراسی بخود راه نداد ودر برابر آنها

---

۱ ــ ت . ژیوکف . مجموعهٔ آثار (بزبان بلغاری) جلد ٤ ، صوفیه ، ۱۹۷۵ ، صفحهٔ ۱۷۸ .

۲ ــ و . ای . لنین . مجموعهٔ کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ٤١ ، صفحهٔ ۷۷ .

عقب ننشست . میدانیم که بلغارستان بدست فاشیسم محلی بورشکستگی کشانده شده وازطرف هیتلریها غارت شده بود . کشور ما از لحاظ سطح پیشرفت اجتماعی ــ اقتصادی در ردیف یکی از ردیف های آخر قرار داشت . کشوری بود با صنایع ضعیف ، کشاورزی خرد مکالائی پراکنده موکوچک عقبماندگی شدید از لحاظ آموزش وپرورش وتأمین اجتماعی وبهداشت ومانند اینها . در جریان انجام قرارهای کنگره پنجم ما ناگزیر شدیم تمام اینها را در نظر بگیریم .

حزب کمونیست بلغارستان در تئوری انقلاب سوسیالیستی هم سهم خود را ادا کرد . افکار ونظریات د . یمیتروف درباره " حکومت خلقی " ــ دموکراتیک بمنزله یکی از اشکال دیکتاتوری پرولتاریا و درباره تعاونی های کار در کشاورزی بمنزله شکل سوسیالیستی اداره امور کشاورزی ضمن حفظ مالکیت تمام اعضای تعاونی برزمینی که مشترکاً روی آن کار میکنند نمونه ای از آنست .

کمونیست های بلغارستان در همان نخستین مرحله ساختمان جامعه نوین عقیده بودند که گسترش همکاری با کشورهای سوسیالیستی ومقدم بر همه با اتحاد شوروی شرط لازم انجام وظائف ملی است . بدون کمک اتحاد شوروی وبدون روابط گسترده دوستی مند برای طرفین با سایر کشورهای برادر ساختمان سوسیالیسم در بلغارستان غیرقابل تصور بود . حزب در انترناسیونالیسم وهمکاری بین المللی همواره " ضامن موجودیت مستقل وپیشرفت وترقی وپیشروی کشور ما بسوی سوسیالیسم " (۱) را میدید . حزب کمونیست بلغارستان که به وصایای لنین صادق ووفادار بود همواره کوشش در راه ایجاد سوسیالیسم پیشرفته را بمنزله یك وظیفه ملی ودر عین حال انترناسیونالیستی بشمار میآورد ، زیرا لنین تأکید کرده بود که نظام نو ، پس از پیروزی انقلاب پرولتری بیش از هرچیز دیگر بوسیله موفقیت های خود در عرصه اقتصادی در بقیه جهان تأثیر خواهد بخشید . پلنوم تاریخی کمیته مرکزی در آوریل سال ۱۹۵۶ که اصول وموازین لنینی زندگی حزبی را احیاء کرد وآغاز گرمشی نوسازنده آوریل بود از مهمترین رویدادها در زندگی حزب کمونیست بلغارستان است . دوران بعدی از فعالیت های خلاق در عرصه تئوری وپراتیک ساختمان سوسیالیستی غنی است که ثمراندیشه جمعی حزب بسرپرستی ت . ژیوکف میباشد . صحبت بر سر برقراری مبانی اجتماعی ــ دولتی در رهبری فرهنگ ، دانش واقتصاد ویك سلسله رهنمود های تازه در ارتباط با مسائلی مانند مناسبات میان دولت بمنزله کارفرما وکلکتیوهای کار یعنی صاحبان مالکیت سوسیالیستی تأثیر عینی قانون ارزش وضرورت استفاده هرچه هدفمندتر از مناسبات کالائی ــ پولی در شرایط سوسیالیسم ، پیشرفت هرچه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی ومانند اینها است .

این رهنمود ها ، دستورات وطرح های اصولی وتمام موفقیت های ما در ساختمان زندگی نو نوع ویژه ای از تلفیق مسئولیت ملی حزب کمونیست بلغارستان با انترناسیونالیسم آنست . آنها به

---

۱ ــ گ . د . یمیتروف . مجموعهٔ آثار (بزبان بلغاری) ، جلد ٤ (صوفیه ، ۱۹۵۵ ، صفحهٔ ۲۹۷ .

www.iran-archive.com

پیشروی سریع بلغارستان بسوی جامعه سوسیالیستی پیشرفته ، تشدید تأثیرسوسیالیسم پیروزمند در طبقه‌کارگروتوده‌های زحمتکش کشورهای سرمایه داری‌پیشرفته ودر جنبش آزادیبخش ملی یاری‌میرسانند .

حزب کمونیست بلغارستان ازتجربه غنی جنبش کمونیستی جهانی ، کشورهای‌سوسیالیسم ودر درجه اول ازتجارب اتحاد شوروی میآموزد . درعین‌حال ما معتقدیم که تجربه ما باتوجه به ویژگیهای ملی‌آن برای احزاب برادر میتواند منبع فکروالهام بخش ، دیدگاههای‌معین وبرخورد های مشخصی باشد . پراتیک انقلاب حزب کمونیست بلغارستان در ادوارفعالیت علنی وغیرعلنی ومبارزات مسالمت آمیزومسلحانه علیه سرمایه داری‌وفاشیسم درس وتجربه ای برای برخی ازکشورها واحزاب ونمونه‌وسرمشق حزب ما در ساختمان سوسیالیستی درسی برای برخی دیگراست .

بلغارستان سوسیالیستی درزمینه تکانهای جدی‌اقتصادی درجهان سرمایه باآهنگی استواروروزافزون پیشرفت میکند . دراقتصادآن صنایع درمقام اول قراردارد و ۶۸ درصد محصول اجتماعی و ۵۸ درصد درآمد ملی را بوجود میآورد . رشته هائی‌ازصنایع که حامل ترقی علمی‌ـ تکنیکی‌است مانند صنایع الکترونیك والکتروتکنیك ، ماشین سازی ، شیمی سنگین ، ذوب فلز وتولید انرژی دارای اهمیت فوق العاده است . اکنون‌کشاورزی‌ما سه بارسهش‌ازسال ۱۹۳۹ محصول میدهد ، اگرچه تعداد کسانیکه درکشاورزی مشغول بکارهستند سه بارکمتراز آنزمان است . دست آورد های‌ما در رشته های‌علوم ، فرهنگ وبهداشت بسیارقابل‌توجه است . سطح زندگی زحمتکشان بلغارستان بطورمداوم بالا میرود . دموکراسی سوسیالیستی دامنه گسترده تری پیدا میکند . گرایش تبدیل تدریجی حاکمیت بحاکمیت تمام خلقی هرچه درخشان تربروزمیکند .

اکنون کشورما اشکال ، راهها ووسائلی رابرای تقویت اقتصاد سوسیالیستی بطریق تعمیم هرچه سریع‌تر دست آورد های دانش وتکنیك جستجومیکند ومییابد . درپلنوم فوریه سال ۱۹۸۵ کمیته‌مرکزی حزب کمونیست بلغارستان سند برنامه مانندی به تصویبرسید که آنرا میتوان کارپایه بهم پیوستن برترینهای سوسیالیسم وترقیات علمی وفنی دوران معاصر بشمارآورد .

بطوریکه ت. ژیوکف تأکید میکند ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته دربلغارستان " بعقیده ما دارای اهمیت بین المللی است . موفقیت هائی‌که خلق‌ما درراه ایجاد سوسیالیسم پیشرفته بدست آورده نیروی‌جاذبه اندیشه‌های کمونیستی وسوسیالیسم موجود راافزایش میدهند . درعین‌حال‌تجربه ما تأییدی براهمیت جهانی ـ تاریخی نمونه وسرمشق شوروی واهمیت‌عام قانونمندیهای‌اساسی‌گذارازسرمایه داری به سوسیالیسم وایجاد جامعه نواست " (۱) .

---

۱ ـ ت. ژیوکف . پیروزی‌تاریخی دورانساز ـ مجله کمونیست ، سال ۱۹۸۵ ، شماره ۷ ، ص ۱۰۵

پیروزی‌انقلاب سوسیالیستی امکانات‌مساعدی برای‌فعالیت گسترده سیاست خارجی‌حزب کمونیست بلغارستان وجمهوری‌توده ای بلغارستان فراهم‌آورد . این فعالیت در پرتوتجزیه‌وتحلیل کاملاً‌علمی‌وضع متغیربین المللی کمبطورد ینامیك درحال پیشرفت است ، اینك چهل سال است بدون انحراف درخدمت بمنافع خلق وایجاد شرایط مسالمت‌آمیزخارجی‌برای ساختمان جامعه نومیباشد . درضمن بمتحکیم مواضع سوسیالیسم ونیروهای صلح وترقی درروی سیّاره مانیزیاری میرساند .

حزب کمونیست بلغارستان برای‌همکاری باکشورهای برادر اهمیت ویژه ای قائل است . باپیدایش سیستم جهانی سوسیالیسم مناسبات میان‌واحد های ملی طبقه‌کارگرپیروزمند بمناسبات طرازنوین میان‌کشورهاقراروئید ، مناسباتی کموابسته بماهیت نظام اجتماعی پیشروما ووحدت منافع خلقهای برادراست . این‌مناسبات برپایه احترام بحق حاکمیت واستقلال هریك ازکشورها ، برتریهای همکاری ، کمك متقابل وپشتیبانی رفیقانه که عناصراساسی انترناسیونالیسم سوسیالیستی است ، برقرارمیگردند .

خلق‌ما موفقیت درساختمان سوسیالیستی وزمان‌حال‌وآینده خود راهمواره باتشدید و گسترش وتحکیم دوستی بلغارستان وشوروی بهم پیوسته ومی‌پیوندد . مناسبات میان جمهوری توده ای‌بلغارستان واتحاد جماهیرشوروی که نمونه انترناسیونالیسم سوسیالیستی درعمل است ، صحت رهنمود های دیمیتروف درباره دوستی بااتحاد شوروی بمنزله اُس‌اساس سیاست خارجی بلغارستان‌رابطورانکارناپذیری تأیید میکنند .

بعقیده ممانزدیکی کشورهای جامعه کشورهای‌سوسیالیستی وبرابرسازی سطوح پیشرفت اقتصادی آنها پروسه ای‌قانونمندانه است . این پروسه باتوجه به منافع‌عینی خلقها ومصالح سوسیالیسم جهانی معین‌میشود . کشورهای‌برادر درمرحله کنونی فقط وقتی میتوانند باموفقیت وسرعت بجلوروند که تقسیم کارسوسیالیستی بین المللی وهمکاری‌درتمام‌عرصه های زندگی راتکامل بخشند . کمونیست های‌بلغارستان این‌نزدیکی وهمکاری وتعمیق همپیوندی اقتصادی‌سوسیالیستی راشرط مهم ثمربخش‌ترین حل‌مسائل ملی وراه حل مسائل جامعه کشورهای سوسیالیستی درمجموع بشمارمیآورند .

قرارهای‌کنفرانس‌اقتصادی اعضای شورای تعاون اقتصادی درسطح عالی درمسکو رژوئن سال گذشته سرآغازمرحله کیفی تازه ای درتأثیرمتقابل اقتصادکشورهای سوسیالیستی بود . دراعلامیه " حفظ صلح وهمکاری اقتصادی‌بین المللی " که درکنفرانس بتصویب رسید براین‌نکته‌تأکید شده است که بسط وتکامل هرچه بیشتروتکمیل همکاری ، تعمیق پروسه تخصص‌یابی وتعاون به

www.iran-archive.com

"ترقی اقتصادی واجتماعی هریك ازکشورها ، بالا بردن سطح زندگی مادی ومعنوی خلقهای آنها وتقویت نیروووحدت وپیکارجگی کشورهای سوسیالیستی کمك میکند" (۱) .

تعلق بلغارستان به جامعه کشورهای سوسیالیستی یکی ازشرایط بنیادی استقلال وپیشرفت همه‌جانبه‌آنست . این امربمیزان بسیارزیادی امکانات آنرا در دفاع ازمنافع ملی خود واشتراك در حل وفصل مسائل بنیادی جهانی افزایش میدهد ودرامرتقویت موضع سوسیالیسم درسیّاره مایاری میرساند . تعدیدمدت اعتبارپیمان ورشوکه درسال جاری انجام شد مسئولیت ملی وبین المللی مارا بیشترمیکند . قدرت وپیکارجگی کشورهای سوسیالیستی شرط عمده حفظ صلح همگانی وپیشرفت هرچه بیشترپروسه انقلابی جهانی است . حزب کمونیست بلغارستان تحکیم هرچه بیشتروحدت کشورهای برادر در رتمام عرصه هارا وظیفه درجه یك خود بشمارمیآورد .

گاهی به‌کمونیستهای کشورهای سوسیالیستی خرده میگیرند که‌گویا بخاطر منافع ملی ودولتی خود حتی حاضرند ازبرخورد طبقاتی بمسائل صرفنظرکنند ووظیفه‌انترناسیونالیستی خود راهم قداسازند . این قبیل اظهارات کاملاً بی پایه است . اثبات این‌نکته ضرورت ندارد که میان وظائف احزاب کمونیست وکارگری حاکم ازیکسووآنهائیکه درجهان‌غیرسوسیالیستی مبارزه میکنند ازسوی دیگر، تضاد اصولی وجود ندارد ونمیتواند وجود داشته باشد . هم آنهاوهم اینها بخش جدائی ناپذیرجنبش کمونیستی جهانی وپروسه انقلابی جهانی راتشکیل میدهند ودرگسترش هرچه سریعترآن ، دربهبود شرایط زندگی زحمتکشان وحفظ واستواری صلح درروی زمین بیك اندازه ذینفع میباشند .

بطورمثال ، بخوبی معلوم است که‌مناسبات اقتصادی سودمند متقابل جامعه کشورهای سوسیالیستی بایك سلسله ازکشورهای‌سرمایه داری به‌کشورهای اخیرامکان میدهد محل های کار واشتغال تازه ایجاد کنند ، وضع دشواربیکاران راتسهیل مینماید وغیره . درزمینه سیاسی گسترش این روابط بتحکیم درك متقابل واعتماد میان کشورها یاری میرساند . بلغارستان مناسبات خود باکشورهای سرمایه داری را برپایه اصول همزیستی مسالمت‌آمیزبرقرارمیدارد . این اصول راما بمنزله شکل ویژهٔ مبارزه طبقاتی درعرصه جهانی میان سوسیالیسم وسرمایه داری بشمارمیآوریم . این شکلی از مبارزه طبقاتی است که‌اینك برای حفظ صلح همگانی ونجات تمدن جامعه بشری ضرورت حیاتی دارد .

حزب کمونیست بلغارستان ودولت بلغارستان که به تعهدات انترناسیونالیستی خود صادق ووفادارهستند به‌کمك‌های اخلاقی ــ سیاسی ومادی‌خود به خلقهائی که درراه‌آزادی‌ملی

---

۱ ــ پراودا ، ۱۶ ژوئن سال ۱۹۸۴ .

مبارزه‌میکنند ودفاع ازاستقلال‌خود برخاسته اند ادامه‌میدهند . دراینجامقدم هر هرچیزصحبت برسرهمکاریهای اقتصادی وفرهنگی بااکثرکشورهای آسیا ، افریقاوامریکای‌لاتین وهمبستگی با کوشش‌آنان‌برای‌تجدید ساختمان‌مناسبات اقتصادی‌بین‌المللی‌برپایه عدالت ودموکراسی است. ماهرگونه‌مظاهرتروریسم بین المللی ، ادامه جنگهای اعلان نشده ، اقدامات تجاوزکارانه بمنظور دگرگون ساختن جبری نظامهای اجتماعی وتشدید وخامت درکانون‌های کهن تشنج ودرگیری وایجاد کانونهای تازه‌تشنج رامحکوم میکنیم . پشتیبانی ماازکشورهائی‌که‌نام بردیم وهمچنین کمك مابه‌آنها بدون‌وقفه افزایش میابد ، اگرچه انجام وظائف ملی فوری که درپیرابرزحمتکشان بلغارستان وجود دارد نیازمند سرمایه گذاری عظیمی است . این‌هم‌نوع دیگری ازپروزانترناسیونالیسم کمونیست های بلغارستان است .

آنچه درسیاست بین المللی اینك‌مهم وعمده است حذف جنگ اززندگی خلقها وبرقراری صلح استوار، عادلانه ودموکراتیك روی سیاره ماست . بدین منظورما درراه قطع مسابقه تسلیحاتی جلوگیری ازمیلیتاریزه شدن فضای‌کیهانی ، کاهش تسلیحات ، نابود ساختن ذخایرسلاح هسته ای ودست یافتن به خلع سلاح همگانی وکامل مبارزه میکنیم .

زحمتکشان کشورمایقین دارند که خطرجنگی که‌بگناه امپریالیسم برجهان سایه افکنده میتواند برطرف شود . فراموش‌نکردن درسهای جنگ جهانی دوم یکی ازشرایط این کاراست . تلاشهای ارتجاع برای نابود ساختن سوسیالیسم درچهل سال پیش باشکست کامل مواجه شد ، باوجود تناسب کنونی نیروها درجهان ، چنین‌سیاستی بیش ازگذشته فاقددورنما است . توازن نظامی ــ استراتژیك میان اتحاد جماهیرشوروی وایالات متحده امریکا ، میان سازمان پیمان ورشو وناتوبکی ازعناصرمهم‌چنین تناسبی است . بهمین سبب است که کشورهای‌سوسیالیستی برادر عزم راسخ دارند ازبرهم خوردن توازنی که درنتیجه کوششهای فراوان بدست‌آمده جلوگیری کنند . جدائی ناپذیری صلح وسوسیالیسم نیازی به اثبات ندارد . این واقعیت تاریخی است که دراکتبر سال ۱۹۱۷ بوجودآمده است . کمونیست ها صلح راشرط لازم ترقی اجتماعی میدانند . بهمین سبب جنبش کمونیستی جهانی یعنی بانفوذترین نیروی سیاسی معاصرچنین فعالانه خواستارایجاد جبهه‌نیرومند ضد جنگ همه خلقهااست .

احزاب کمونیست وکارگری درشرایط بسیارمختلف وویژهٔ خود فعالیت میکنند . هریك ازآنها سیاست خود راستقلاً تهیه‌وتدوین میکند وهدفها وسمت ها وأشکال وشیوه های‌مبارزه راتعیین مینماید . اصول انترناسیونالیسم پرولتری ، همبستگی وپشتیبانی متقابل ، احترام به استقلال یکدیگر، برابری‌حقوق وعدم مداخله درامورداخلی پایه واساس مناسبات متقابل میان احزاب است.

www.iran-archive.com

مراعات اکید این اصول شرط لازم برای پیشرفت همکاری رفیقانه واستحکام وحدت است .

حزب کمونیست بلغارستان موافق با این نظر است که با گسترش دامنه وظایف مشترک انترناسیونالیستی وبغرنج ترشدن آنها مسئولیت کمونیست ها افزایش میابد ویکپارچگی آنان اهمیت بیشتری کسب میکند . ما اعتقاد راسخ داریم که انترناسیونالیسم پرولتری بامضمون طبقاتی آن بهیچوجه اهمیت خود را از دست نداده ونمیتواند باچیزدیگری تعویض گردد ، انترناسیونالیسم پرولتری اکنون نیز از مهمترین اصول جنبش کمونیستی است . درشرایط کنونی همبستگی انترناسیونالیستی ووحدت عمل تمام نیروهای ضد امپریالیستی برپایه دموکراتیک گسترده بخاطر حفظ صلح وترقی اجتماعی ضرورت است .

ایجاد جوّ مناسبات صادقانه ورفیقانه میان احزاب کمونیست بمتحکیم تمام اَشکال همکاری مانند گسترش روابط بین احزاب ، کسب تجربه متقابل ، بحث ها ومشورتهای صریح وبی پرده و اقدامات هم‌آهنگ درعرصه بین المللی یاری میرساند . حزب کمونیست بلغارستان به گسترش این قبیل مناسبات توجه فوق العاده مبذول میدارد . مابطورهمه جانبه ازتجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی وسایراحزاب برادر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی استفاده میکنیم . بطوریکه میدانیم میان آنها پراتیک مبادلهٔ اطلاعات بطورمستمرود رمیان گذاردن برنامه‌های ویژه آینده درتمام جهات فعالیت حزبی ودولتی برقرارگردیده است . این امربه حل وفصل صحیح مسائل ساختمان جامعه نوکمک میکند .

حزب کمونیست بلغارستان بااحزاب کمونیست وکارگری کشورهای سرمایه داری وکشورهای درحال رشد وازجمله باآنهائی هم که میان ما وآنها برخی اختلاف نظرهاد رمورد بعضی ازمسائل وجود دارد دارای روابط نزدیک وگرمی است . همکاری ما بااحزاب دموکراتیک انقلابی گسترش هرچه بیشتری پیدا میکند . باخرسندی میتوان گفت این قبیل تماس ها امکان میدهند انواع پیشداوریهای نادرست درباره سوسیالیسم موجود رابرطرف سازیم وبدرک ضرورت مقابله باآنتی سوویتیسم وتبلیغات پردامنه ضد سوسیالیستی نیروهای امپریالیستی هم یاری میرسانند . زندگی این واقعیت راتأیید میکند که همکاری انترناسیونالیستی احزاب حاکم کشورهای سوسیالیستی واحزابی که درجهان سرمایه فعالیت میکنند نه فقط برای فعالیت احزاب اخیر دشواری فراهم نمیآورد ، بلکه آنها را بادلائل وبراهین تازه دراثبات برتریهای تاریخی سوسیالیسم غنی میکند وامکانات تازه ای برای پیشروی درراه ترقی فراهم میآورد .

یکی ازاَشکال ثمربخش فعالیت بین المللی حزب کمونیست بلغارستان ورهبری آن تبادل نظرمشروح وصریح وروشن باکمونیست های سایرکشورهائی است که ازبلغارستان دیدن میکنند .

فقط طی سال گذشته ت . ژیوکف با ۸۲ تن ازشخصیت های برجسته احزاب برادر وجنبش آزادیبخش ملی ملاقات کرد واعضای بوروی سیاسی ودبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان ازاین قبیل دیدارها بابیش از ۲۰۰ تن ازنمایندگان آنها داشتند . تماس های بسیاری در سطوح عالی وپائین‌تربهنگام دیدارهیئت های نمایندگی ماوگروههای عملیاتی درکشورهای خارج برقرارشد . این قبیل دیدارها بدون‌تردید به استحکام همکاری انترناسیونالیستی کمونیست ها یاری میرسانند وبیانگرطرفداری پیگیروبدون انحراف حزب کمونیست بلغارستان ازاصول مارکسیسم‌ـ لنینیسم وانترناسیونالیسم پرولتری وسوسیالیستی است .

بنظرماعقاید مختلف درباره این یاآنده ازمسائل نباید مانع فعالیت هم آهنگ احزاب برادر ، بویژه درمواردی باشد که صحبت برسرمسائل اساسی مبارزه درراه صلح وعلیه امپریالیسم است . علاوه براین ، این قبیل اقدامات نه فقط مانعی درراه همکاری برپایه گسترده تری باتمام نیروهای ضد امپریالیستی وضد جنگ نیست ، بلکه فقط میتوانند بدان همکاری بطریق یافتن مواضع مشترک ویامشابه بوسیله کمونیست ها درارتباط بامهمترین وحیاتی‌ترین مسائل معاصر یاری رسانند .

طی سالهای اخیریک سلسله دیدارهای منطقه ای احزابکمونیستوکارگری ، کنفرانس های تئوریک بین المللی ، سیمپوزیوم ها ومانند اینها برگزارگردید . ازاین‌میان مهمترین رویدادی که درکشورما جریان یافت کنفرانسی بود که بمناسبت صدمین سال تولد گئورگی دیمیتروف فرزند کمپر طبقه‌کارگر بلغارستان تشکیل گردید . این دیدارها وکنفرانس ها باثبات میرسانند که بحث ومذاکره جمعی مسائل متنوع وروزافزون پروسه انقلابی‌جهانی یک ضرورت طبیعی وقانونمندانه برای‌جنبش کمونیستی است .

درعین حال ، بعقیده ما ، نه دیدارهای‌دوجانبه وچند جانبه ونه دیدارهای‌منطقه ای وجلسات‌مشورتی نمیتوانند جایگزین مجمع‌عمومی یعنی اجلاسیه مشورتی بین المللی احزاب برادر شوند . درشرایط کنونی اهمیت تزهای لنین درباره اینکه " مبارزه کارگران همه‌کشورها درراه آزادی فقط بشرط مبارزه مشترک کارگران علیه سرمایه بین المللی توأم باموفقیت خواهد بود " (۱) هرچه روشن ترمیگردد . اینک درشرایط بین المللی شدن زندگی اقتصادی‌دنیای‌سرمایه داری ، هم آهنگی اقدامات شرکت های ترانسناسیونال سرمایه مالی درپیوش‌به سطح زندگی‌ودست‌آورد های زحمتکشان گسترش میابد . همکاری احزاب بورژوائی ، ازجمله احزاب‌محافظه کار ، ناسیونالیستی وحتی فاشیست بمنظورمبارزه علیه‌نیروهای دموکراتیک تشدید میگردد . ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی تبلیغات دامنه دارهم آهنگ وشدیدی‌که‌میتوان آنرا " جنگ صلیبی " واقعی

۱ ــ و. ای. لنین ، مجموعهٔ کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۲ ، صفحهٔ ۹۸ .

www.iran-archive.com

نامید ، علیه کشورهای سوسیالیستی ، جنبش آزادیبخش ملی و طبقه کارگر براه انداخته اند .

در این شرایط نقشی که اجلاسیه مشورتی احزاب کمونیست و کارگری ، بویژه اکنون میتوانست ایفاء کند بسیار پرارزش است ، زیرا از یکسو خطر واقعی بلیه هسته ای ، بعلت سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم بر جامعه بشری سایه افکنده ، و از سوی دیگر ابتکارهای جامعه کشورهای سوسیالیستی بخاطر صلح فعالیت ضد جنگ بیسابقه توده های میلیونی را برانگیخته است .

دست آوردهای انقلابی خلقها با مبارزات پس از جنگ کمونیست ها ارتباط نزدیک دارد . آینده جامعه بشری و حل و فصل مسائل اجتماعی که در برابر آن قرار دارد بمیزان بسیار زیادی وابسته به افزایش هرچه بیشتر نقش و سهم جنبش کمونیستی در استحکام صلح است . بهمین سبب است که مسئله تعمیق همبستگی و همکاری احزاب برادر و تحکیم هرچه بیشتر وحدت و یکپارچگی آنها تا این اندازه مبرم و ضروری است . زندگی اشتراک فعالانه ترکمونیست ها در جنبشهای ضد امپریالیستی و ضد جنگ راهمراه با سوسیالیست ها ، سوسیال دموکرات ها و باتمام احزاب و جریان های مترقی بخاطر حفظ صلح و تمدن بشری طلب میکند .

مسائل مشکل و دشواریهائی در جنبش کمونیستی در گذشته وجود داشته و اکنون نیز وجود دارد . ولی تجاربی هم برای برطرف ساختن آنها گردآمده است . این تجارب بشکل قانع کننده ای گواه براین است که یگانه راه درست وحدت و اقدامات مشترک بر پایه اصول آزمون شده انترناسیونالیسم پرولتری است .

ما تردیدی نداریم که همبستگی ، وحدت و یکپارچگی جنبش کمونیستی و کارگری جهانی در آینده نزدیک اَشکال عالی تروشمربخش تری خواهند یافت ، اشکالی که پاسخگوی وظائف مبرم و درنماهای امر انقلابی مشترک ما باشند . حزب کمونیست بلغارستان در آینده نیز کوشش های خود را بطور خستگی ناپذیر در این جهت بکار خواهد برد .

برای ایجاد «پل حُسن همجواری»

حید رکوتلو

دبیرکل کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست ترکیه

طرّاحان استراتژی پیمان آتلانتیک ، ضمن گفتگو از مقام ترکیه در برنامه های ناتو هرچه بیشتر از یک مقایسه رایج استفاده میکنند . م . وِرنِر وزیر دفاع جمهوری فدرال آلمان هم از جمله کشورها را " پلی میان اروپا و آسیا " می بیند که " حلقه های زنجیری را بهم پیوند میدهد که تا اقیانوس هند ادامه دارد " (۱) . در قاموس سیاستمداران و ژنرال های ناتو عنوان " پل استراتژیک " فقط اهمیت نظامی ترکیه در چهارچوب پیمان آتلانتیک شمالی و تبدیل آن به پایگاه نظامی را مشخص میکند که از آنجا میتوان امنیت کشورهای همسایه را بخطر انداخت و بذر نفاق و دشمنی پاشید .

ما قاطعانه با چنین درکی از نقش و مقام کشور خود در عرصه بین المللی مخالفیم . اما اگر بهرحال تشبیه " پل " را در مورد ترکیه بکار ببریم ما علاقمندیم آنرا " پل دوستی ، همکاری و صلح " بینیم . در برنامه حزب کمونیست ترکیه که در نوامبر سال ۱۹۸۳ در پنجمین کنگره حزب بتصویب رسیده گفته شده است : " اکنون حفظ صلح مهمترین وظیفه جهانی است . کمونیست ها که همواره در صف مقدم مبارزه علیه ظلم و ستم و استثمار گام برمیدارند در نخستین صفوف مبارزان در راه صلح و مهمترین حق انسانها یعنی حق زندگی قرار دارند . . . دفاع از صلح با مبارزه علیه امپریالیسم و در راه دموکراسی و ترقی اجتماعی ارتباطی ناگسستنی دارد " (۲) . حزب با توجه بدین موضوع وضع ترکیه را ارزیابی میکند ، طرز برخورد خود به نیروهای سیاسی مختلف را معین مینماید و با توده هائی که به جنبش ضد جنگ پیوسته اند تشریک مساعی میکند .

اینک ترکیه در وضع وابستگی کامل به امپریالیسم امریکا قرار دارد . امپریالیسم امریکا مسابقه تسلیحاتی را تشدید میکند ، در نزدیکی مرزهای اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی

۱ ــ ترجمان ، ۲۹ مارس ۱۹۸٤ .

۲ ــ برنامه حزب کمونیست ترکیه ، صفحه ۱٦ .

www.iran-archive.com

سیستم‌های هسته ای تهاجمی مستقر میسازد ، عملاً به میلیتاریزه کردن فضای کیهانی می پردازد و علیه سوسیالیسم وخلقهائی که بدفاع ازصلح ودر راه آزادی ملی واجتماعی بپاخاسته اند " جنگ صلیبی " بپاکرده است . مشی ماجراجویانه وتجاوزکارانه ای بهترکیه هم تحمیل میگردد. کشورما ازلحاظ حجم کمک نظامی که ازایالات متحده گرفته میشود پس ازاسرائیل ومصر در ردهٔ سوم قرار دارد . واشنگتن درنظر دارد فقط برای سال ۱۹۸۶ ، ۷۸۵ میلیون دلار ، یعنی تقریباً دوبرابرآنچه پنج سال پیش سالانه بهترکیه داده میشد ، بهکشورما برای " نیازمندیهای نظامی " اعتبار بدهد .

این درواقع امر صدقه ای به دولت ترکیه برای هدفهای میلیتاریستی است ودرازای آن داده میشود که دولت اراضی کشوررا برای استقراروسائل نظامی امریکا وایجاد پایگاه علیه اتحاد شوروی ، سایرکشورهای سوسیالیستی وخلقهای خاورنزدیک دراختیارآنها قرارداده است .
اکنون تعداد این قبیل پایگاهها ، ازجمله فرودگاهها وبنادر (برای ورود ناوهای ناوگان ششم امریکا) ، ایستگاههای رادیووراداری ، مراکزاطلاعاتی وانبارهای ذخیره مواد مختلف بیش از ۶۰ واحد است . از سال ۱۹۸۳ درکارامان سیستم آواکس (۱) باهواپیماهائی که دارای وسائل ودستگاههای ویژه است آغازبکارکرده است .

اکثرتأسیسات نظامی امریکا درترکیه دارای شعاع عملی است که منطقه عظیمی رادربر میگیرد : بخش خاوری دریای مدیترانه ــ دریای سرخ وخاورمیانه . این تنها تهدید بالقوهٔ صلح نیست . درواقع ازهمینجا ، ازسرزمین ترکیه است که ایالات متحده امریکا سالهااست به تحریکات نظامی دست میزند ، هم عملیات تفارتگرانه جداگانه وهم ماجراجوئی های برنامه ریزی شده وپردامنه باإعمال قوه قهریه راترتیب میدهد . نیروهای امریکا که درسال ۱۹۵۸ درلبنان پیاده شدند ازپایگاههای انجیرلیك وبالیکسیراعزام شده بودند . درسال ۱۹۶۲ هواپیماهای "۲ــ یو" هم کمبرفراز اتحاد شوروی مأموریت جاسوسی انجام میدادند ازهمان فرودگاه انجیرلیك بپرواز درمیآمدند. درسال ۱۹۷۰ میان پایگاههای امریکا درترکیه وعمان پل هوائی ایجاد گردید که ازطریق آن برای سرکوب مبارزه مردم فلسطین " کارشناس " واسلحه فرستاده میشد . درسال ۱۹۸۰ واشنگتن انجیرلیك وبالیکسیررا بمنظورانجام عملیات " آزادی گروگانهای امریکائی درتهران " که باشکست مفتضحانه ای روبروشد ، مورد استفاده قرارداد . بالاخره درسال ۱۹۸۳ بهنگام حمله تفنگداران دریائی ایالات متحده به لبنان وگلوله باران روستاهای لبنان بوسیله ناوهای امریکا انجیرلیك

---

۱ ــ سیستم امریکائی رادار واکتشاف وهدایت ازدور که ارتش های برخی ازکشورهای ناتو با آن مجهزشده اند . هیئت‌تحریریه .

نقطه ای بود که ازآنجا هم نفرات تکمیلی وهم اسلحه ومهمات برای مداخله‌گران فرستاده میشد (۱) .
اسلحه اتمی امریکا در اراضی کشورما استقراریافته است . ازسال ۱۹۸۰ باینطرف در اینجا دانبارهای ویژه کلاهک های اتمی جدید وگلوله ووسائل دیگر ذخیره میشود ، دهها هواپیمای امریکائی که ویژه حمل ونقل سلاح نابودی جمعی است درفرودگاهها آماده پرواز است . سربازان ترکیه که دراطراف پایگاههای ایالات متحده مستقرشده اند ، این سلاحها را محافظت میکنند . درضمن نه‌فقط ورود سربازان مامورگشت ، بلکه ورود ژنرال های ترکیه هم که وفاداریشان نسبت به ایالات متحده زبانزد است به بسیاری ازاین تأسیسات قدغن است . اختیارکاربرد سلاح هسته ای و بکاراندا ختن اسلحه‌مورد نظرفقط وفقط دردست ایالات متحده امریکا است . این بدانمعنی است که ترکیه دریك‌چشم بهم زدن درنتیجه ضربه‌متقابل میتواند نابودگردد . ولی واقعیات ورویدادهای اخیرگواه براین است که ایالات متحده درنظر دارد ذخایرهسته ای خود درترکیه راگسترش داده وکهنه ها را نوکند ، نه اینکه ازمیزان آنها بکاهد .

پایگاههای نظامی امریکا درترکیه راپنتاگون دربرنامه‌میلیتاریزه کردن فضای اطراف‌زمین خود گنجانده است . مطبوعات ترکیه‌خبردادند که ناوفضائی " دیسکاوری " که آزمایش های آن‌جریان دارد علاوه برعملیات دیگرمیباید ماهواره‌های نظامی راهم برفراز دریای سیاه به مدارمورد نظر برای برنامه " جنگ ستارگان " بفرستد (۲) . بطوریکه میدانیم مراکزخدماتی این قبیل ماهواره‌ها درپایگاههای نظامی ایالات متحده دراراضی ترکیه قرار دارند .

گردانندگان دولت ترکیه درانثبات خوش خدمتی های صادقانه خود وتبعیت محض پیش از همه به فراخوان واشنگتن برای شرکت‌کشورهای ناتو در تدارك وانجام برنامه " جنگ ستارگان " پاسخ دادند . اظهارات ز. یاووزتورك وزیردفاع هم ازجمله براین‌گواهی میدهد . اوگفت : (" ترکیه به " جنگ ستارگان " " آری" گفت ") . و. خلف اوغلی وزیرامورخارجه نیز به همین‌روشنی اظهارنظرکرد : (" ما از" جنگ ستارگان" نمیتوانیم برکناربمانیم ") (۳) . این قبیل اظهارات نمیتوانند درافکارعمومی ترکیه‌نگرانی ایجاد نکنند .

کشورما در دامی‌تنیده ازقراردادها وموافقت نامه‌ها با ایالات متحده گرفتاراست . پنتاگون بااتکاء به این موافقت نامه‌ها تلاش میکند ترکیه را محکمتربه‌ماشین‌میلیتاریستی خود ببندد . یکی ازاین قراردادها که ۵ مارس سال ۱۹۵۹ منعقدگردیده وهنوزهم بقوت خود باقی است به امریکا " حق

---

۱ ــ میلیت ، ۹ شوبات ۱۹۸۴ ، حرّیت ۱۱ شوبات ۱۹۸۴ .
۲ ــ گون آیدین ، ۳۰ اُجاك ۱۹۸۵ .
۳ ــ جمهوریت ، ۳ مایس ۱۹۸۵ ، میلیت ، ۶ هزیران ۱۹۸۵ .

www.iran-archive.com

میدهد ، درصورتیکه مردم دولتی را برسرکارآورند که برخلاف میل محافل حاکمه ایالات متحده باشد بهترکیه نیرووارد کند . پس ازکودتای نظامی دوازدهم سپتامبر ۱۹۸۰ رژیم جدید بلافاصله باواشنگتن قراردادی درباره " دفاع وهمکاری " ولی درواقع درباره افزایش تسلیحات وتابع ساختن آنکارابه دستورات آنسوی اقیانوس بامضاء رسانید ، زیرا بموجب آن نه فقط پایگاههای پنتاگون دراراضی ترکیه باقی میماند ، بلکه درآن تجهیزارتش ترکیه باسلاحهای امریکائی هم با شرایطی اسارت بارپیش بینی شده است . درسال ۱۹۸۲ ، دیکتاتوری نظامی با دولت ریگان " یادداشت توافقی " راامضاء کرد . نتیجه آن ساختمان پایگاههای تازه امریکا در روش وباتمان دربخش جنوب خاوری ترکیه بود که ازچند جهت حائزاهمیت خواهند بود . ازجمله اینکه ازآنهامیتوان بمنزله نقاط اتکاء بینابینی بهنگام گسیل داشتن " نیروهای واکنش سریع " ایالات متحده بهخاورنزدیک ومیانه استفاده کرد .

وضع جغرافیائی واستراتژیک ترکیه ازدیدگاه ناتوهم (داشتن مرزمشترک باکشورهای سوسیالیستی ودردرجه اول بااتحاد شوروی ، مسلط بودن آن بربُغازبُسفرودردانل ونزدیکیش به یک سلسله ازکشورهای عربی وایران) بمنزله یک برگ برنده ازطرف نمایندگان رژیم کنونی بهنگام بندوبست بامحافل حاکمه ایالات متحده امریکا ومقامات عالیرتبه پیمان آتلانتیک شمالی مورد استفاده قرارمیگیرد . پرزیدنت ک . اِورن وسایرژنرالهائی که باپنتاگون وستاد ناتودرارتباط هستند (مانند ت . ئوزال نخست وزیرواطرافیانش که سیستم تعهداتی درمقابل سرمایه مالی بین المللی را بهترکیه تحمیل کرده اند) بی میل نیستند کشورمارا به پست مقدم پنتاگون درمرزهای جنوبی اتحاد شوروی وکشورهای سوسیالیستی بالکان مبدل سازند . ولی این کارنیازمند وسائل هرچه بیشتری است . ئوزال پیش ازعزیمت به ایالات متحده امریکا صراحتاً اظهارداشت : " اگر ناتومیخواهد جناح جنوب خاوری خود رامستحکم سازد ، باید بهترکیه که دارای مرزطولانی با اتحاد شوروی وبلغارستان است کمک کند . برای این کارمابه پول بیشتری ازآنچه اکنون ازایالات متحده میگیریم نیازداریم " (۱) . اِورن هم باکلمات مبهمتری تقریباً درباره همین مسئله صحبت کرد ومشی میلیتاریزه کردن ترکیه ازطرف امریکارا " ارزش ها وآرمانهای مشترک " وصدقه های تازه امریکارا " کمک متقابل درسیستم دفاعی کهمابدان تعلق داریم " (۲) نامید .

ن . اوروگ فرمانده ستادکل ارتش ترکیه که ازدستگاه دولتی ریگان درازای سعی وجدیت خود نشان گرفته است درخدمتگذاری بهواشنگتن تلاش وکوشش ویژه ای بخرج میدهد . ستادی که

---

۱ ــ میلیت ۲۵ مارت ۱۹۸۵ .
۲ ــ حرّیت ، نهم شوبات ۱۹۸۵ .

دراختیاراواست درآستانه سفرنخست وزیرترکیه به ایالات متحده گزارشی ارائه داشت که طی آن توصیه میشد پایگاههای نظامی امریکادریونان راکه مردم یونان رد میکنند وخواستاربرچیدن آنها هستند بهکشورمامنتقل نمایند . ستادکل بصراحت به اعتبارات امریکاهم اشاره میکرد که بهرحال " هرخدمتی بهائی دارد " (۱) . کوتاه سخن ، نظامیان ترکیه اظهارآمادگی میکنند که کشور را کاملاً دراختیار امپریالیسم امریکاقراردهند . عملیات تجزیه طلبانه ای هم که درشمال قبرس صورت گرفت مظهرنمونه وارچنین سیاستی است . هدف اصلی این اقدام متزلزل ساختن موجودیت قبرس بمنزله کشوری مستقل ، دارای حق دفاع ازتمامیت ارضی خود ، کشوری غیرمتعهد وعضو برابرحقوق سازمان ملل متحد است . تمام این اقدامات شووینیسم رادامن میزند وبسود تمایلات سیطره جویانه واشنگتن است .

دراین شرایط مبارزه مادرراه صلح هدف انحلال پایگاههای نظامی امریکادرکشوررا دنبال میکند ودرجهت امتناع ازقراردادهای اسارت باروشرم آوربا ایالات متحده امریکااست ، قراردادهائی که خطرواقعی برای امنیت خلق مادارند .

کاملاً معلوم است کهآزادی ترکیه ازسلطه ایالات متحده ، تثبیت اصول همزیستی مسالمت آمیزآن باکشورهای همسایه ومقدم برهمه بااتحاد شوروی وسایرکشورهای سوسیالیستی ، همبستگی باخلقهای منطقه وحل اختلافات بایونان ازطریق مذاکرات اینک بامسئله احیاء دموکراسی ، دفاع ازآن وگسترش دادن آن درارتباط است .

ترکیه کشوری است که اکنون درآنجابویژه باخشونت افرادی رامورد پیگرد قرارمیدهند که ازآرمانهای ضد جنگ دفاع میکنند ، اعضاء وفعالین جمعیت طرفداران صلح رامحاکمه میکنند وبهمدتهای طولانی زندان محکوم مینمایند . اولیای امورمبارزه دردفاع ازصلح ودوستی میان خلقهارا جرم وجنایت بشمارمیآورند . درجلسات ، دیدارها ومتینگ هاصحبت کردن ازآرمانهای صلح قدغن است . درعین حال وسیله رادیو ، تلویزیون ودرمطبوعات آشکاراوباشکال گوناگون اتهامات ناروا وجعلیاتی کهدرمراکز " جنگ روانی " امریکاوناتوسرهم بندی شده پخش میشود . تبلیغ نظریات شووینیستی ، نژادپرستانه ومیلیتاریستی تجاوزکارانه بهروسیله ای مجازاست .

برای کسانیکه ازخارج ناظراوضاع ترکیه هستند ، ممکن است چنین تصوری پیش آید که در ترکیه شکل حکومت پارلمانتاریسم است . ولی درواقع پارلمان بهیچوجه ارگانی نیست که حاکمیت را دردست داشته باشد . حاکمیت دردست گروه بندی کوچکی است که بمیل واراده خود حکومت میکند . قانون اساسی کنونی کشورنهادهای دموکراتیک را برسمیت نمیشناسد واین درحالیست

---

۱ ــ میلیت ، ۲۷ شوبات ۱۹۸۵ .

www.iran-archive.com

که به دیکتاتوری اقلیت امکان هرنوع مانوری را برای ادامه دوران فرمانروائیش داده است .

در ساختار ارگانهای دولتی ترکیه هیچ حلقه ای نیست که در مبارزه در راه حقوق و آزادیهای دموکراتیک ودفاع از آنها و یا گسترش دامنه آنها بتوان بدان حلقه اتکاء کرد . در پارلمان احزابی نماینده دارند که باراده دیکتاتوری در وضع ممتازی قرارگرفته اند . نه باصطلاح دادگاه عالی قانون اساسی ونه سایر مؤسسات دولتی ــ حقوقی را نباید نهادی بشمار آورد که از مصالح دموکراسی دفاع میکنند . نیروهائی هم که خواستار صلح و دموکراسی هستند و یا اصولاً مردم ترکیه هم بآنها بدین چشم نگاه نمیکنند . موجودیت تمام احزاب اپوزیسیونی که به پارلمان راه نیافته اند ، سندیکاهائی که هنوز رژیم آنها را غیرقانونی اعلام نکرده و برخی از ارگانهای مطبوعاتی همواره در خطر است .

اعتصاب، اظهارنظریاتی که با افکار و عقاید رسمی دولتی متفاوت است ، انتخابات آزاد ، تشکیل میتینگ و تظاهرات در کشور قدغن است . هریک از شهروندان را بنا به میل وارادهٔ مقامات دولتی میتوانند دستگیر کرده و بدون بازپرسی و دادرسی ماهها و یا حتی سالها بزندان افکنند . بازداشت شدگان را اغلب بشدت شکنجه میکنند . کسیکه موفق شود از زندان رهائی یابد آزاد نیست ، زیرا نامش در بایگانی ویژه پلیس ، به ثبت میرسد و " نظریات سیاسی " او را هم همانجا درج میکنند . اگر پیش از بازداشت کارگر ، کارمند ، دانشجو و یا استاد دانشگاه هم بوده فرق نمیکند ، مقامات دولتی بتدریج او را از زندگی جامعه طرد میکنند (۱) .

دستگاه دولتی ترکیه در نتیجه تجدید سازمان بی اندازه متمرکز شده و از اختیارات فاشیستی برخوردار است . چنان مقامات مهم دولتی و ارگانهائی بلاواسطه تابع رئیس جمهوری هستند و از چنان " اختیارات قانونی " بموجب قانون اساسی برخوردار است که میتواند در امور دولت و پارلمان مداخله کند . سران عالیرتبه ارتش هم دارای قدرت بی حد و حصری هستند . افرادی که در رأس واحدهای اداری قرارگرفته اند از همان امتیازات و حقوقی برخوردارند که معمولاً برحسب قوانین حکومت نظامی به فرماندار نظامی داده میشود . شگفت نیست که آنها بهر اقدام خود سرانه ای دست میزنند و خود را با استناد به " حقوقی " که از بالا بدست آورده اند تبرئه میکنند .

ولی هیچ تروروفشاروپیگردی نمیتواند عزم وارادهٔ میهن پرستان واقعی را در هم شکند

---

۱ ــ در ژوئن ۱۹۸۵ رژیم اوزال ــ توزال قانونی تحت عنوان " اختیارات نیروی پلیس " بتصویب رساند که طبق آن به " برقرارکنندگان نظم وآرامش " رسماً اجازه داده میشود گفتگوهای تلفنی را گوش کنند ، نامه های خصوصی را بگشایند ، تئاترها را ببندند ، سازمانهای اجتماعی را قدغن کنند ، " افراد مظنون " را بدون هیچ اتهامی بازداشت نمایند و اگر بعقیده پلیس " وضع ایجاب کند " حتی بسوی افراد تیراندازی کنند .

وآنان را مجبور کند نظریات ومعتقدات حیاتی خود را تغییر دهند (۱) . این آنها هستند که با مبارزات وکوشش های خود به تبدیل شدن ترکیه به " پل صلح وحسن همجواری " یاری میرسانند.

م . دیکردم صدر جمعیت طرفداران صلح ترکیه ضمن سخنرانی خود در دادگاه نظامی (که در سالهای ۱۹۸۴ــ۱۹۸۲ جریان داشت) از اندیشه همزیستی مسالمت آمیز دفاع کرد ، برضرورت مبارزه در راه آینده جامعه بشری بدون جنگ ، مبارزه در راه زندگی وعلیه جنگ هسته ای تأکید نمود . او که مبارزی دلیر است ، از مواضع خود یک گام هم عقب ننشست . سایر شرکت کنندگان در جنبش ضد جنگ هم که با او محاکمه میشدند از او سرمشق گرفتند .

در دوره دوم محاکمات که برای رسیدگی به " پرونده " سایر اعضای همان جمعیت طرفداران صلح ترکیه در نوامبر سال ۱۹۸۴ آغاز شد عزیز نسین ، نویسنده ای که شهرت جهانی دارد سخن گفت . او اعلام داشت که احساس نمیکند مرتکب " جرمی " شده باشد و با وجود اینکه " متهمین " به فعالیت ضد جنگ را به مدتهای طولانی زندان محکوم میکنند بیمی از این ندارد که کمیته تازه ای در دفاع از صلح بوجود آورد (۲) . مبارزه پیگیر و پراستقامت میهن پرستان ، از جلسه در سالن دادگاه در فکر و ذهن مردم تأثیر شدیدی باقی میگذارد و به اشاعه اندیشه های صلح در شرایط دیکتاتوری کمک میکند .

مبارزه علیه استقرار سلاح ووسائل هسته ای در اراضی کشور ما انگیزه ای برای گسترش اعتراض ضد جنگ بود . در آوریل سال ۱۹۸۴ گروه برنامه ریزی هسته ای ناتو در زمیر جلسه نوبتی خود را برگزار کرد . انتشار این خبر میان مردم که مسئله استقرار سلاح هسته ای تازه در ترکیه مورد مذاکره است موجب خشم و انزجار عمومی گردید . فقط کمونیست ها و نمایندگان سایر نیروهای چپ نبودند که نیات ناتو را محکوم کردند . با استقرار موشک های امریکائی در ترکیه که خطری برای امنیت ملی ما وموجب کشانده شدن کشور به جنگ هسته ایست ، سه حزب بورژوائی هم که در پارلمان نماینده ندارند ونسبت به رژیم در اپوزیسیون هستند مخالفت ورزیدند . این احزاب عبارتند از : حزب سوسیال دموکرات ، حزب راه راست وحزب رفاه .

---

۱ ــ با وجود دشوارترین شرایط سیاسی در کشور نهمژوئن سال جاری تظاهرات توده ای زیر شعار " ما کار ، نان و دموکراسی میخواهیم " در استانبول برگزار گردید که چهل هزار نفر در آن شرکت کردند . میدانی که تظاهرکنندگان در آن گرد آمده بودند با چند حلقه نزد یک بهم از مأموران مسلسل بدست محاصره شده بود . سراپای فرد فرد تظاهرکنندگان را با وضعی تحقیرآمیز گشتند . پلیس آشکارا " لیست سیاه " تهیه میکرد و از شرکت کنندگان عکس میگرفت . نزدیک به صد نفر را بازداشت کردند . ن . گورمان معاون دبیرکل حزب سوسیال ــ دموکرات را هم زندانی کردند . با وجود این زحمتکشان ترکیه برای نخستین بار پس از سال ۱۹۸۰ آشکارا علیه رژیم منفور دست به تظاهرات زدند .

۲ ــ ترجمان ، ۲۲ اُگاك ۱۹۸۵ .

www.iran-archive.com

نیروهای گوناگونی با سیاست میلیتاریزاسیون مخالفت میکنند . بطورمثال این تزرایج رژیم که " برای تحکیم امنیت ملی باید بکمك ایالات متحده امریکا ارتش را مدرن کرد " در مطبوعات مورد انتقاد قرار گرفت . ائتلاف وحدت چپ (۱) پیش از عزیمت ئوزال به واشنگتن از مردم خواست با تمدید قرارداد ترکیه ــ امریکا درباره " همکاری و دفاع " که اینك مورد مذاکره دو طرف است مخالفت کنند . نمایندگان برخی از احزاب اپوزیسیون بورژوائی هم " کمك نظامی " امریکا را که ایالات متحده از آن در ضمن بمنزله وسیله فشار علیه کشور ما استفاده میکند ، محکوم مینمایند .

کمونیست های ترکیه در شرایط دیکتاتوری در صفوف مقدم مبارزه در راه صلح قرار دارند . بیش از هزار نفر از میهن پرستان فقط بدین سبب که اعضای حزب کمونیست ترکیه هستند به مدتها طولانی زندن (تا ۱۷ سال) محکوم شده اند . حزب ما مرتباً حقایق مربوط به رویدادهای کشور وخارج از آن را برای مردم بیان میکند وگرایشهای پیشرفت وجریان رویدادها را نشان میدهد ومقیاس خطر جنگی را که جهان وترکیه را تهدید میکند پنهان نمیسازد . حزب کمونیست ترکیه نشان میدهد که این خطر در منطقه ما از " نیروهای واکنش سریع " امریکا که در ترکیه به آنها امکانات بسیار گسترده ای برای عملیات تجاوزکارانه داده شده ، سرچشمه میگیرد . کار بدانجا کشیده شده است که به نظامیان امریکائی مأمور در پایگاههای پنتاگون وظائف ژاندارم ها را محول میکنند . بطورمثال ۱۳ مارس سال ۱۹۸۵ سربازان امریکائی در انجیرلیك با سگ های خود به زحمتکشانی حمله ور شدند که با بازرسی های غیرقانونی مخالفت میکردند . در نتیجه این حمله نه نفر از کارگران ترك به سختی زخمی شدند .

کمونیست ها ، بدون بیم وهراس از خطر باز داشت ، شکنجه وحتی مرگ در صفحات مطبوعات خود از مبارزه ای که در راه صلح در گرفته است برای مردم سخن میگویند . بطورمثال فعالین سازمانهای حزبی اَدنه وسایر شهرهای جنوب کشور تراکت هائی تهیه وپخش کرده اند که در آنها از اینکه ایالات متحده پایگاه انجیرلیك را برای گسیل داشتن نیروهای خود ، بمنظور سرکوب مبارزات مردم لبنان ، مورد استفاده قرارداده پرده برداشته شده است . در آوریل سال ۱۹۸٤ کمیته شهری حزب کمونیست ترکیه در ازمیر با اشتراك سازمان محلی حزب کارگر ترکیه تراکت هائی پخش کردند که طی آن هدفهای میلیتاریستی اجلاسیه گروه برنامه ریزی هسته ای ناتو که در بالا بدان اشاره کردیم افشاء شده است .

---

۱ ــ این ائتلاف در دسامبر سال ۱۹۸٤ پدید آمد وعلاوه بر حزب کمونیست ترکیه احزاب دیگری مانند حزب آوانگارد کارگری کردستان ، حزب کارگر ترکیه ، حزب کمونیست کارگری ترکیه ، حزب سوسیالیست کردستان ترکیه وحزب سوسیالیست کارگری ترکیه را متحد میکند . هیئت تحریریه .

حزب ما بر این عقیده است که ترکیه فقط در جریان مبارزه پیگیر علیه آنتی سوویتیسم وشووینیسم میتواند به " پل صلح وحسن همجواری " مبدل گردد . کمونیست ها در دشوارترین شرایط دیکتاتوری سیاست صلحدوستانه اتحاد شوروی واهمیت و دورنمای دوستی شوروی وترکیه را برای مردم تشریح میکنند . آنها بطور پیگیر وبا توجه به هدفهای معین نشان میدهند که ناسیونالیسم کورد راموری مانند مسئله قبرس ومناسبات ترکیه ویونان فقط وفقط بسود کسانی است که ترکیه را بازیچه دست امپریالیست ها ساخته اند .

اندیشه های مارکسیسم ــ لنینیسم وانترناسیونالیسم پرولتری به کمونیست ها در جریان مبارزه نیرو می بخشد . در سال جاری شصت وپنجمین سال بنیانگذاری حزب ما برگزار میگردد . این سالگرد با شعار " در راه ترکیه دموکراتیك وحزب کمونیست ترکیه نیرومند تر ! " برگزار خواهد شد . بمناسبت جشن سالگرد فعالیت های گسترده ای زیر شعار " حزب کمونیست ترکیه را استحکام می بخشیم ! " انجام میگیرد . این تدابیر با اعلامیه ای که از طرف کمونیست های مبارز با سابقه انتشار یافت آغاز گردید . در اعلامیه گفته میشود حزب " هیچگاه از خط اساسی مارکسیسم ــ لنینیسم وانترناسیونال پرولتری دور نشد واز دفاع از منافع طبقه کارگر ، دهقانان ومنافع ملی خلق منحرف نگردید " (۱) .

بعقیده ما در ترکیه رژیم فاشیستی حکومت میکند . تجربه نشان میدهد که حتی در این شرایط نیروهای بسیاری وجود دارد که دلیرانه در راه صلح مبارزه میکنند . این نیروها به طیف سیاسی بسیار گسترده ای تعلق دارند که هم حزب کمونیست وسایر احزابی را که در حالت مخفی بسر میبرند در بر میگیرد وهم احزاب علنی بورژوائی را که در اپوزیسیون هستند . چهارمین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه یادآور شد که بر پایه خواستهای مشترك میتوان وباید با این قبیل نیروها دیالوگ برقرار کرد وبمقیاس وسیع همکاری نمود . تأکید گردید که برای متحد ساختن تمام نیروهای ضد دیکتاتوری و نیروهای طرفدار سیاست خارجی مسالمت آمیز ، الغای قراردادهای دوجانبه اسارت بار امریکا ــ ترکیه ، گسترش مناسبات با تمام کشورها وبویژه با همسایگان ما بر پایه برابری حقوق ومنافع ، حل وفصل مسئله قبرس وهمچنین مسئله منطقه اِژه از راه مذاکرات ومبارزه در راه دفاع از استقلال ملی واستحکام صلح در سراسر سیاره ما شرایط لازم فراهم آمده است .

بطوریکه جریان رویدادها نشان میدهد موقعیت دیکتاتوری اِورن ــ ئوزال تضعیف میگردد . تلاشهائی که برای استتار ماهیت واقعی رژیم بکمك انتخابات و " پارلمان " بعمل میآمد بجائی نرسید . اینك محافل هرچه مهمتری در اطراف خواست انجام دگرگونی های بنیادی دموکراتیك

---

۱ ــ آتیلیم ، ۱۵ اجاك ۱۹۸٤ .

www.iran-archive.com

د رکشورمتحد میگرد ند . عزم قاطع مرد م برای ایجاد تحول راسخ ترمیشود . حزب ما طرفـــدار عمل مشترك تمام نیروهای ضد د یکتاتوری از " وحد ت چپ " تا احزاب بورژوائی که د راپوزیسیـــون هستند میباشد . هد ف آنها باید پایان بخشید ن به این رژیم وبرقراری حاکمیت برپایه د موکراسی ملی باشد .

ما این را د رك میکنیم که برای توفیق سیاست حزب کمونیست ترکیه تنها تد ابیری که حـــزب اتخاذ میکند کافی نیست . د شمن طبقاتی بمقیاس بین المللی سازمان یافته است . بهمین سبب ما هم نیازمند وحد تی استوار ، تشریك مساعی جد ی با نیروهای صلحد وست سایر کشورها وهمبستگـــی برادرانه مد اوم هستیم تا سهم خود را د رجنبش ضد جنگ هسته ای ادا کنیم .

برای حزب ما مسئله استحکام وحد ت جنبش جهانی کمونیستی بمنزله پایه وحد ت تمام نیروهای ضد امپریالیستی فوق العاد ه مبرم است . حزب کمونیست ترکیه براین عقید ه است که برای حفظ صلح باید هم آهنگی کار احزاب برادر را تا عالیترین سطح ارتقاء داد . این اقدام به نیروهای مترقی امکان میدهد علیه سیاست امپریالیستی " تلافیجوئی اجتماعی " که هم علیه جنبش کمونیستی جهانی وهم علیه مبارزات ملی آزادیبخش خلقها است بهتر بمقابله پرد ازند . ما برای پیشنهاد های مشخصی که بمنظور استحکام وحد ت جنبش کمونیستی جهانی د رژانویه سال جاری د رکنفرانس احزاب کمونیست وکارگری خاور د ریای مد یترانه ، خاور نزد یك ومیانه ومنطقه د ریای سرخ به اتفاق آراء بـــه تصویب رسید اهمیت فراوانی قائل هستیم (۱) .

حزب کمونیست ترکیه ، چنانکه یاد آورشد یم ، د رشرایط د شوار کار مخفی خواستار وحد ت ملی تمام نیروهای د موکراتیك است . معلوم است که هرقد ر ضعوف جنبش کمونیستی مستحکم تر ویکپارچه تر باشد فراخوان های ما رد اخل کشور هم قانـــع کننده تر خواهد بود . وبعکس جریان زند گی شواهد بسیاری را نشان میدهد که چگونه د شمن طبقاتی از هرمسئله حل نشد ه ای د رجنبش مـــا برای اشاعه د روغ وجعلیات خود علیه سوسیالیسم موجود وحمله بد ان بهره برد اری میکند . هیئت حاکمه ترکیه از این مسایل حل نشد ه برای ترساند ن کمونیست های ترکیه که بمبارزه ادامه مید هند وبرای د رهم شکستن عزم وارد ه آنهائی که د رسلول های شکنجه وعذاب از خود مقاومت نشـــان مید هند استفاد ه میکند . این مسایل را اپورتونیسم هم که هد فش تفرقه افکنی وایجاد انشعـــاب د رنیروهای چپ و د رون حزب کمونیست ترکیه است با تحریف و د روغ تفسیر وتعبیر میکند .

---

۱ ــ د رباره پیشنهاد ات این کنفرانس رجوع کنید به مجلهٔ " مسائل صلح وسوسیالیسم " سال ۱۹۸۵ شماره ٤ ، صفحهٔ ٤٨ .

جریان رویداد های جهان یك سلسله وظائف تازه ای د ر ارتباط با مبارزه د رراه صلح ، د موکراسی وترقی اجتماعی ، د ر برابر تمام احزاب کمونیست وکارگری مطرح میکند . چگونه باید ایـــن وظائف را انجام داد ؟ بحث وبررسی جمعی ، تبادل نظر وتجربه د راین مورد معین از نیازهـــای مبرم ما است . البته ، چنین بحث وبررسی فقط هنگامی میتواند ثمربخش باشد که بمتحکیم وحد ت علیه د شمن طبقاتی مشترك انجامد .

برکسی پوشید ه نیست که امپریالیسم و د ستگاه تبلیغاتی آن فشار عظیمی بریك سلسله از احزاب کمونیست وکارگری وارد میکنند تا بطرق گوناگون به این هد ف د ست یابند که آن احزاب نه فقط از امپریالیسم ، بلکه از سوسیالیسم وهمچنین از یکد یگر " باند ازه برابر فاصله بگیرند " . د رشرایط د یکتاتوری موجود د رترکیه این قبیل " توصیه ها " را به شکل پوشید ه به حزب کمونیست ترکیه هم میکنند . بطور مثال د رمطبوعات بورژوائی این نظر با شکال مختلف بیان میشد که وجود چنان حزب کمونیست علنی د رکشور ما ضرور است که از هرد و سیستم اجتماعی " باند ازه بـــرابر فاصله بگیرد " و یا " مارکسیسم شوروی " مخالفت میکرد . بهترین پاسخ باین اند یشه ها تحکیـــم هرچه بیشتر وحد ت جنبش کمونیستی جهانی برپایه مارکسیسم ــ لنینیسم وانترناسیونالیســـم پرولتری برای صلح وترقی اجتماعی است .

حزب ما سهم خود را د راین مبارزه ادا میکند ومیکوشد مارکسیسم ــ لنینیسم را بطور خـــلاق د رشرایط کشور خود انطباق د هد ، تأثیر آن د رجنبش چپ را تشد ید نماید وانترناسیونالیسم پرولتری را د رنقطه مقابل ناسیونالیسم بورژوائی وشوونیسم استحکام بخشد . ما د ست آورد های تاریخـــی اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی وهمچنین نقش تعیین کنند ه ای را که آنها د رجهـــان کنونی د رمبارزه برای آزاد ی اجتماعی خلقها ایفاء میکنند توضیح مید هیم وروشن میکنیم .

موضع حزب کمونیست ترکیه معلوم است : ترکیه میتواند " پل صلح وحسن همجواری " باشد . برای د ست یافتن باین مقصود باید وحد ت نیروهای چپ د رد رون کشور را برای پیروزی امر د موکراسی ملی بطور مد اوم گسترش د اد ه و د رعین حال یکپارچگی جنبش کمونیستی جهانی را برای تحکیم صلح د رمنطقه ما و د رسراسر کره زمین تقویت کرد . کمونیست های ترکیه این راهد ف خود مید انند و د راین راه مبارزه میکننـــد .

www.iran-archive.com

گفت وشنود ما

اطلاعاتی درباره تجارب تازه

در مسیر پیشرفت و ترقی

کلیرد اسیلوا

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کانادا

وسائل ارتباط جمعی بورژوائی در این اواخر سخت میکوشند به اثبات رسانند که در کشورهای ناتو گویا در مبارزه تود ه ها علیه جنگ نوعی ضعف روی داده است . در ارتباط با این موضوع حزب کمونیست کانادا وضع فعلی جنبش طرفداران صلح کانادا را چگونه ارزیابی میکند ؟

ــ ما هم از این قبیل قضاوت ها میشنویم . ولی واقعیات به عکس آن گواهی میدهد : وزیر دفاع دولت محافظه کاران و " ترقی " های پنتاگون هرچه هم بگویند ، صفوف جنبش صلح در کانادا گسترش میابد و نفوذ خود را افزایش میدهد . در حال حاضر در کشور نزدیک به هزار گروه صلح فعالیت میکنند . اتحادیه های کارگری ، سازمانهای جوانان وزنان ، نمایندگان حرفه های گوناگون (دانشمندان ، پزشکان ، هنرمندان وغیره) ، مجامع مناطق مسکونی و مؤسسات آموزشی در تظاهرات ضد جنگ شرکت میکنند . تلاشهای مجامع صلح طلب را شخصیت های مذهبی مشهور، بسیاری از نمایندگان پارلمان و عملاً اعضاء تمام احزاب سیاسی مورد پشتیبانی قرار میدهند .

شوراهای شهری و محلی در کانادا در جلب مردم به مبارزه علیه خطر جنگ جهانی نقش مهمی ایفاء میکنند . همه پرسی هائی که در سه سال اخیر در ۱۹۲ شهر بزرگ وکوچک انجام گردید نشان میدهند که بیش از ۷۰ درصد از مردم کانادا به خلع سلاح هسته ای رأی دادند . با توجه به نگرانی مردم از تشدید مسابقه تسلیحاتی سلاحهای هسته ای و گسترش و اشاعه آنها شهرداری های بیش از ۹۰ شهر کشور و سراسر ایالت مونی توبا (Monitoba) ، سرزمین خود را بعنوان " منطقه آزاد از سلاح هسته ای " اعلام کردند .

شرکت کنندگان در " کاروان های صلح " هم موفقیت زیادی بدست آوردند . آنها وقتی شدند ۴۳۰۰۰۰ امضاء زیر طوماری در دفاع از صلح جمع آوری نمایند و این سرآغازی برای شروع اقدامات هماهنگ جنبش های ضد جنگ در مناطق انگلیسی زبان و فرانسه زبان کانادا با جنبش کارگری سازمان یافته براساس برنامه واحدی گردید . اهمیت شرکت بسیار گسترده طبقه کارگر در مبارزه نیروهای ضد جنگ را باید یادآور شد . چنین اقدامی زمینه تود ه ای آنرا تقویت میکند و ثمربخشی آنرا افزایش میدهد . این واقعیات ، که میتوان بازهم نمونه های بیشتری از آنها را برشمرد ، به حزب ما حق میدهد که بگوئیم جنبش صلح در کانادا تشدید میگردد .

ــ آیا جنبش صلح کانادا قادر است در حیات سیاسی کشور تأثیر کند ؟

ــ تا حدود معینی آری . بطور مثال ، بهنگام انتخابات پارلمانی که در سپتامبر سال ۱۹۸۴ انجام شد ، مبارزان راه صلح نیروهای سیاسی گوناگونی را برانگیختند تا درباره برخی از مسائل حاد سیاست خارجی کانادا بحث و مذاکره کنند . اکنون نشانه هائی دال بر تعمیق اختلاف نظر درباره این مسائل میان احزاب سنتی بورژوائی وجود دارد . از جمله جون تورنر رهبر لیبرال ها و همکاران حزبی و پارلمانی او لوید آکسورتی (Lloyd Axworthy) و وارن اُلماند (Warren Ollmand) با " جنگ ستارگان " و استقرار سلاح هسته ای در سرزمین کانادا مخالفت میکنند . برخی از افسران عالیرتبه هم سخن گفتن به زبان مبارزان راه صلح را آغاز کرده اند . سرتیپ لئونارد جانسون (۱) رئیس سابق دبیرستان نظام در کینگستون که طرفدار خلع سلاح هسته ای است حتی عقیده دارد که بهتر است کانادا خود خود را از ناتو مورد مطالعه قرار دهد . احتمال قوی وجود دارد که به نسبت افزایش نفوذ طرفداران صلح با اختلاف نظر در داخل طبقه حاکمه افزوده شود . در عین حال نباید در ارزیابی امکانات کنونی جنبش ضد جنگ در کانادا مبالغه کرد . میدانیم که این جنبش تا بحال موفق به انجام این وظیفه عمده نشده است که دولت را وادار به اتخاذ سیاست صلحجویانهٔ مستقل کند .

نقش ائتلاف نیروهای ضد جنگ میتوانست بمثابه عامل با نفوذ و رزندگی سیاسی داخلی وزین تر باشد ، اگر در صفوف آن برای درک علل واقعی و منابع پیدایش خطر هسته ای توافق نظر وجود میداشت . البته شرایط لازم برای اینکار موجود است ، زیرا اکثریت بزرگی از کانادائی ها عمیقاً انساندوست هستند و با جنگ مخالفند . ولی بسیاری از هم میهنان من تحت تأثیر تبلیغات سیستماتیک افتراآمیز وسائل ارتباط جمعی امپریالیستی علیه سوسیالیسم موجود هنوز هم نظریات

---

۱ ــ لئونارد جانسون همچنین بمنزله یکی از اعضاء فعال گروه بین المللی " ژنرال ها برای صلح و خلع سلاح " معروف است . این گروه ژنرال ها و آدمیرال هایی با زنشسته کشورهای ناتو را که خواستار خلع سلاح و در درجه اول خلع سلاح هسته ای دو بلوک میان شرق و غرب هستند ، متحد میکند . هیئت تحریریه

www.iran-archive.com

ضد شوروی دارند .

کمونیست ها این را در نظر دارند که بهیچوجه تمام شرکت کنندگان در جنبش صلح ، امپریالیسم امریکا را بمنزله منشاء اولیه خطر جنگ بشمار نمیآورند . همچنین ما میدانیم که برخی از فعالین گروه های صلح با آنکه این نکته را درست درک میکنند ، از لحاظ تاکتیکی نظریه " مسئولیت مساوی " را میپذیرند . آنها عقیده دارند که بدینوسیله میتوانند چهارچوب جنبش صلح را گسترش دهند . ولی این سازشکاری عملاً بسود کسانی است که مسابقه تسلیحاتی را دامن میزنند .

بعقیده حزب کمونیست تجربه بکانادائی ها امکان میدهد این نکته را درک کنند که امنیت نه از طرف اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ، بلکه از طرف ایالات متحده امریکا تهدید میگردد . ما با ادامه تبادل نظر درباره این مسائل ، در عین حال خواهیم کوشید تمام کسانی را که ممکن است به فعالیت گسترده بمقیاس سراسر کشور علیه خطر هسته ای جلب نمائیم . بحث و مذاکره درباره سرچشمه خطر جنگ نباید بتفرقه صفوف طرفداران صلح منجر گردد . در اینجا باید از خود حد اکثر صبر و شکیبائی و ادب و نزاکت را نشان داد .

— بطوریکه میدانیم در انتخابات پارلمانی در سپتامبر سال گذشته محافظه کاران پیروز شدند . آیا این پیروزی در وظائف و شرایط پیکار نیروهای صلحدوست مؤثر بوده است ؟

— روی کار آمدن دولت محافظه کاران بسرپرستی مارتین برایان مالرونی (Mulroney) وضع بغرنج تازه ای برای فعالیت طرفداران صلح بوجود آورده است . محافظه کاران که بیک سلسله از پیشنهادات نخست وزیر سابق ، پیرالیوت ترودو در مورد مهار کردن مسابقه تسلیحاتی را بفراموشی سپرده اند ، چرخش تندی بسوی ایالات متحده امریکا کردند و مشی افزایش سهم کانادا در ناتو و هزینه های کشور برای هدفهای نظامی را در پیش گرفتند . مردم نتایج چنین سمتگیری را هم اکنون حس کرده اند : در سرزمین ما آزمایش موشک های بالدار امریکائی بشدت در جریان است و دولت باعقب نشینی در برابر فشار ایالات متحده امریکا به مدرنیزه کردن سیستم رادارهای هشدار دهنده در شمال کشور پرداخته است و طبق اخباری که از طرف کابینه مالرونی تکذیب نشده ، پنتاگون در نظر دارد ۳۲ بمب هسته ای عمقی در نواحی مختلف کانادا مستقر سازد .

در چنین شرایطی کلی گوئی درباره صلح کافی نیست . مبارزه در راه صلح مشخص است . درست بهمین سبب ارتباط دادن خواستهای ویژهٔ کانادا با فعالیت های گسترده تر بین المللی

بمنظور مهار کردن مسابقه تسلیحاتی و تقلیل ذخائر سلاح هسته ای حائز اهمیت است .

مقدم بر هر چیز این وظیفه در برابر ما است که دولت محافظه کار را مجبور کنیم آزمایش موشک های بالدار در سرزمین کانادا را قطع کند ، از متوقف کردن ذخیره سلاح هسته ای بعنوان نخستین گام در راه خلع سلاح هسته ای حمایت نماید و مانند اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از تعهد عدم پیشدستی در بکار بردن سلاح هسته ای پشتیبانی بعمل آورد . علاوه بر این طرفداران صلح خواستار آنند که کانادا از ایالات متحده امریکا تضمین واقعی بگیرد که در سرزمین کانادا اسلاح هسته ای مستقر نسازد . دولت مالرونی باید کشور را منطقه خالی از سلاح هسته ای اعلام کند و این موضوع را در قرارداد دی با اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا تثبیت نماید .

تدارکات پرتب و تاب واشنگتن برای تسخیر نظامی گسترده فضای کیهانی نگرانی ویژه ای در کانادا و در تمام جهان برمی انگیزد . متأسفانه دولت مالرونی از نقشه های " جنگ ستارگان " امریکا هم مانند آزمایش موشک های بالدار پشتیبانی میکند و بایک مشت حرف پوچ اظهار میدارد که سخن گو پا فقط بر سر " پژوهش های علمی " است . در عین حال کمیسیون سناد راوتا و توصیه کرد که کانادا برای " هدف های اقتصادی " بهبرنامه ویژهٔ نظامی فضائی مخصوص خود بپردازد . بعلم اینها ، البته ، افکار عمومی کشور را فوق العاده نگران میسازد . اگر کانادائی ها دولت را وادار میکردند تا از برنامه های " جنگ ستارگان " امریکائی برکنار بماند میتوانستند خدمت بزرگی به جامعه بشری بکنند .

کمونیست ها از تمام خواستهائی که ذکر شد پشتیبانی میکنند و بمنظور تشریح ضرورت اقدامات جدی بسود صلح و خلع سلاح مصرانه کارهای زیادی میان توده ها انجام میدهند . ما همچنین خواستار این هستیم که کانادا کاملاً از استراتژی هسته ای واشنگتن برکنار بماند ، برای اینکار کانادا باید از ناتو و NORAD " خارج گردد (۱) .

— حزب کمونیست با در نظر گرفتن بغرنج شدن وضع سیاسی داخلی ، در نماهای مبارزه در راه صلح در کانادا را چگونه ارزیابی میکند ؟

— بنظر ما برای گسترش جبهه طرفداران صلح و تحکیم وحدت آن امکاناتی وجود دارد . برای انجام وظیفه اول ، باید نمایندگان تمام قشرهای جامعه را به جنبش ضد جنگ و ضد موشک جلب کرد و آنها را برای طرح خواستهای مشخص بسیج نمود . هدف دوم هم کاملاً دست یافتنی است . برای این هدف در درجه اول باید تمام گروهها را بدین متقاعد کرد که اختلاف نظرهای

بقیه در صفحه شصت

۱ — NORAD — فرماندهی واحد امریکا — کانادا ویژهٔ دفاع هوائی — فضائی امریکای شمالی .
هیئت تحریریه

www.iran-archive.com

دربارهٔ تغییراتی که در سیستم کار پدید آمده است

روبرت شتاپگروالد

عضورهبری حزب کمونیست آلمان

تغییرات ساختاری‌که‌در جامعه معاصرسرمایه داری‌روی‌میدهد ودروضع کارگران وسیمای اجتماعی آنان بازتاب میابدیک سلسله مسائل‌جدی ایدئولوژیک مطرح میکند . دراین مقاله میخواهیم برخی ازجهات بررسی ومطالعه این‌پروسه هاراکه بوسیله جامعه شناسان جمهوری فدرال آلمان دردانشکده پژوهش های مارکسیستی درفرانکفورت کماررود ماین بعمل آمده روشن کنیم .

اکنون ، وقتی مارکسیست هااز اصل بنیادی رسالت تاریخی طبقه‌کارگرد فاع میکنند ، منقدین ماهم از" راست " وهم از " چپ " این‌کارا قشری‌گرائی (دگماتیسم) مینامند . آنها میگویند بهتر بود که مسئله اصلی این‌نیست که طبقه‌کارگرد رقرن‌نوزد هم وآغازقرن بیستم انقلابی بود یانه ، اصل قضیه دراین است که طبقه‌کارگرد رجامعه سرمایه داری‌پیشرفته صنعتی تاکنون هم انقلابی مانده است یاخیر . آنهاازمامی پرسند : بچه سبب نقش‌نیروی انقلابی معاصررا " نیروهای‌اجتماعی تازه ای" بعهده نگیرند ؟ زیرا ، درواقع هم آنها هستند که بطورمثال ، درجمهوری فدرال آلمان فعالانه‌علیه مظاهرمنفی سیاست اجتماعی واقتصادی سرمایه بزرگ اعتراض میکنند ، درحالیکه کارگران گویابطورعمده درراه‌حفظ اشتغال ، بالارفتن سطح زندگی وبهبود شرایط کاردرچهارچوب اقتصاد سرمایه داری مبارزه‌میکنند . آیا درارتباط بااین پدیده نباید مارکسیست هادرمسئله نیروی انقلابی تجدید نظرکنند ؟

این قبیل دلایل‌میتوانند دلایلی بنظرآیند که‌بی پایه‌نیستند . درواقع هم ، همه چیز ، وازجمله طبقه‌کارگرهم تغییرمیکند وتکامل میابد ، مسائل تازه وبررسی نشده ای هم بروزمیکند . ولی درک این‌نکته دشوارنیست که‌دلایلی‌که انتقادکنندگان ازمابدانهااستناد میکنند حداقل ضعفشان درساده‌کردن مسائل است . آنهامیکوشند مسئله‌نیروی انقلابی رافقط به کشف نیروی بالقوه آماده‌وباصطلاح بنیروئی که درگیرمبارزه شده منحصرنمایند . معیارآنهافعالیت

سیاسی بلاواسطه این یاآن‌نیروهای اجتماعی است . ولی برای‌ماکاملاً روشن است که چنین برخوردی فاقد هرگونه ژرفای‌ایدئولوژیک است . واقعاً هم اتفاق می‌افتد که دانشجویان باطرح شعارهای سیاسی اعتراض‌میکنند وکارگران ، درنظراول ، فقط خواستاربهبود وضع اقتصادی‌خود هستند . ولی ازاینجابهیچوجه نتیجه نمیشود که طبقه‌کارگررسالت تاریخی خود راازدست داده است . ریشه های این‌مسئله بسیارژرف تراست‌وبابرخوردی چنین سطحی نمیتوان آنهارایافت .

ازدیدگاه مارکسیسم ، نیروهای انقلابی درزمینه گسترده تاریخی توده های مردم بطور کلی هستند وابتکارانقلابی فقط خاص طبقه‌کارگرنیست . و. ای. لنین نوشت : انقلاب " ... نمیتواند چیزدیگری غیرازحالت انفجاری مبارزه توده ای همه وهرفرد ستمدیده وناراضی باشد . بخش هائی ازخرده بورژوازی وبقیه‌کارگران‌هم‌ناگزیرد رآن شرکت میکنند ، بدون چنین اشتراکی مبارزه توده ای‌امکان‌ناپذیراست ، هیچ انقلابی‌امکان پذیرنیست ..." (۱) .

این‌نتیجه‌گیری درشرایط جمهوری فدرال آلمان‌هم‌هنگامیکه قشرهای گوناگون اجتماعی درجنبش ضدامپریالیستی اشتراک‌میورزند وخواستهای ویژه خود رادرآن‌مطرح میکنند صادق‌است . اینک‌اعتراضات آنهاعلیه سرمایه بیشترمیشود ، شورش های‌خودبخودی برپامیگردد وابتکارهای گوناگون دموکراتیک پیش‌کشیده‌میشود . آشکال‌اعتراضاتی که بطورعینی‌علیه سیاست طبقه حاکمه انحصارگراست بسیارمتنوع است . ولی شدت اعتراضات این‌یاآن قشراهالی‌بخودی خود به این پرسش پاسخ نمیدهد که دردوران‌معاصرکدام‌نیروقادراست " محرک فکری واخلاقی‌وانجام دهنده فیزیکی (مقصودعملی است ــ مترجم)" (۲) تبدیل جامعه سرمایه داری‌به سوسیالیستی‌باشد . نقش چنین‌محرک " یا " اجراکننده ای" را فقط طبقه ای‌که نسبت به سرمایه بزرگ درموضع آشتی ناپذیر (آنتاگونیستی) قراردارد قادراست ایفاء کند ، طبقه ای‌که‌میتواند بدون سرمایه داری‌هم وجودداشته باشد ، درصورتیکه سرمایه داری بدون آن‌نمیتواند سرکند . آن طبقه همچنین باید سایرقشرهائی راکه‌نسبت به سرمایه درا پوزیسیون هستند متحد ساخته وبدنبال‌خود ببرد . درجامعه سرمایه داری‌فقط طبقه‌کارگرد ارای‌چنین خصائصی است .

این‌حکم لنین کاملاً بقوت خود باقی است که : " سرنگونی حاکمیت بورژوازی ، فقط ازطرف پرولتاریا ، بمنزله طبقه‌ویژه ای‌که‌شرایط اقتصادی زندگیش اورا به‌چنین اقدامی برمیانگیزد وبه او امکان‌ونیروی انجام این‌کارا میدهد میسراست . درحالیکه بورژوازی دهقانان وهمه قشرهای

---

۱ ــ و. ای. لنین ، مجموعه‌کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۰ ، صفحهٔ ۵۴ .

۲ ــ همانجا . جلد ۲۶ ، صفحهٔ ۷۳ .

www.iran-archive.com

خرده بورژوازی‌را بهواحد های‌کوچك تقسیم‌میکند وازهم‌میپاشد ، پرولتاریا‌را یکپارچه ومتحد میسازد واورا متشکل میکند . فقط پرولتاریا ، بحلت نقش اقتصادی اودرتولید بزرگ قادراست رهبرهمه زحمتکشان وتوده‌های‌استثمارشونده ای باشد که‌بورژوازی استثمارمیکند وبدانهاستم روامیدارد و اغلب‌آنهارانه کمتربلکه بیشترازپرولتاریاتحت فشارقرارمیدهد ، ولی آنهاتوانائی‌آنراندارند در راه‌آزادی خود مستقلاً مبارزه کنند " (۱) .

درجامعه‌معاصرفقط بورژوازی یاطبقه‌کارگرمیتوانند شیوه تولیدی معینی ایجادکنند و ایجادکرده اند . بهمین سبب است که‌هدفهای قشرهای اجتماعی گوناگونی که درعرصه جامعه عمل‌میکنند ، درآخرین تحلیل ، باتمایلات بورژوازی یا پرولتاریا پیوند میابند . گروههای‌غیرپرولتری که سیاست اقتصادی‌واجتماعی سرمایه بزرگ رارد میکنند ، بسبب وضع عینی که درجامعه دارند (فرق اساسی آنهابا پرولتاریاهم درهمین است) تمایل نشان‌میدهند که بدین یابدان‌ترتیب منافع خاص خود راکه اغلب باوظائف اتحاد ضدانحصاری مغایرت دارد مطلق‌کنند . اما در مبارزه طبقه‌کارگرد رامحقوق خود ازمنافع شخصی خاصی دفاع‌میشود . بهمین علت فقط باوجود نقش رهبری‌کننده آن است که برای‌محدود ساختن وبرطرف کردن حاکمیت سرمایه انحصاری میتواند شرایط فراهم گردد . درآخرین‌تحلیل برای‌تحقق دگرگونی های بنیادی‌سوسیالیستی هم‌همین شرط ضروراست .

نقش تاریخی طبقه‌کارگرد بنوسیله تعیین‌میگردد که آشتی ناپذیری‌آن درقبال سرمایه به جنبه جداگانه ای‌ازجامعه استثماری محدود نمیشود . خواستهای طبقه‌کارگرد رتأمین‌این یاآن " مجموعه " حقوق خاص خود که باعدم توجه بمشکلات سایرگروههای اجتماعی ، ازآنهابه دفاع کند خلاصه‌نمیشود . طبقه‌کارگرباسارزه علیه‌نظام سرمایه داری بطورکلی وباآزادکردن خود ، درجریان مبارزه همه قشرهای استثمارشونده وستمدیده اهالی راهم آزاد میکند . این طبقه فاقد مالکیت بروسائل اساسی تولید است . هدفش بدستآوردن ارزش اضافی نیست وسمتگیریش در جهت آشکال اجتماعی مالکیت است . فقط ازموضع طبقه‌کارگرمیتوان شمای‌جامعه نوراکه استثمار ازآن حذف شده مشاهده کرد . علاوه براین‌پتانسیل سازمانی آنرانیز باید درنظرگرفت (خود بورژوازی‌طبقه‌کارگررایکپارچه ، متحد ومتشکل میکند) . تمام اینهاباوجود سازمان سیاسی وآگاهی طبقاتی لازم دربرابرآن‌راه‌آغازپیکارشدید بابورژوازی رادرهرزمان وهرمکانی میگشاید .

البته ، آنچه درفوق گفته شد هنوزبه یك سلسله ازپرسش هاپاسخ نمیدهد ، بطورمثال به این پرسش که‌آیاخود طبقه کارگروسایرنیروهای اجتماعی هم پیشرفت‌میکنند ، واگرپاسخ مثبت است

---

۱ ــ و. ای. لنین ، مجموعه‌کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۳ صفحات ۲۶ــ۲۵ .

چگونه ؟ ازاینجااست که ضرورت پژوهش های ژرف هرچه بیشترپروسه های‌اجتماعی که‌درون طبقه‌کارگروقشرهای گوناگون اجتماعی جریان دارد وهمچنین ضرورت پژوهش پی‌آمد های‌این پروسه‌هاناشی میگردد .

میدانیم که انقلاب علمی ــ تکنیکی موجب پیدایش تغییرات کیفی جدی درسیستم دانستنی ها ، تکنیك ، نیروی کارووسایل کارمیگردد . پیشرفت نیروهای‌تولیدی‌تکانه اصلی را به پیدایش تغییرات درهمه‌عرصه‌های تولید مادی ، توزیع ومناسبات روبنائی سرمایه داری دولتی ــ انحصاری وارد میآورد واین‌هم بنوبه خود موجب پیدایش تغییراتی درساختارنیروی کارگری میشود .

مقدم برهرچیزبه صفوف طبقه‌کارگرافزوده‌میگردد وزمینه اجتماعی مجموعه جنبش کارگری گسترش میابد . این پدیده هانتیجه پرولتریزه شدن صاحبان وسائل تولید متوسط وکوچك است که علل‌آنرا ك . مارکس بموقع خود مورد بررسی قرارداد وآنهارابامکانیسم پروسه انباشت سرمایه ارتباط داد (۱) . افزایش صفوف طبقه‌کارگرد رکشورمابطورعمده بحساب دهقانان صورت میگیرد ، زیراگروه های‌پیشه‌وران نسبتاً ثابت است . مکانیسمی که نام بردیم تاکنون‌نیزعمل‌میکند . درعین حال‌وضع تازه ای‌هم بوجودآمد : استفاده سرمایه بزرگ ازدست‌آوردهای ترقی علمی ــ تکنیکی همچنین آشکال‌کهنه تولید کوچك رانابود میکند ودرنتیجه پرولتریزه شدن قشرهای بینابینی صورت میگیرد . همانطورکه درتزهای ویژه‌کنگره حزب ماکه قراراست درسال ۱۹۸۶ برگزارگردد گفته میشود " بخش قابل توجهی ازروشنفکران ازلحاظ وضع اجتماعی خود به طبقه‌کارگرنزدیك شده اند " این شرط مهمی برای‌آنست که‌تعداد هرچه بیشتری ازنمایندگان این قشربه جنبش سندیکائی وسیاسی کارگری وبه فعالیت نیروهای دموکراتیك بپیوندند (۲) .

ولی باید قید کرد که‌این پروسه رانباید راهی بشمارآورد که جریان درآن یکطرفه است . " ازنوسرمایه داری بطوراجتناب ناپذیرتعداد زیادی (قشرهای‌متوسط) بوجود میآورد " (۳) . این قشرهابحساب برخی ازافرادازمیان طبقه‌کارگرهم تکمیل میشوند . پیوستن بخشی ازکارگران به جرگه قشرهای متوسط به پی‌آمد های ایدئولوژیك جدی‌منجرمیگردد . ازجمله این پندار واهی رابوجود میآورد که وضع کارگران درسرمایه داری‌بهبود میابد .

پروسه بکارگرفتن درآمد نیازمند گسترش سیستم حمل ونقل وبازرگانی است که نقش‌آنها بهمین نسبت افزایش میابد . تأثیربوروکراتیسم دولتی ــ سرمایه داری درزندگی اجتماعی بطورکلی

---

۱ ــ رجوع کنید به ك . مارکس وفریدریش انگلس . مجموعه آثارجلد ۲۳ ، صفحات ۷۶۵ــ۷۶۴ / ۶۲۹ــ۶۲۸

2 - Entwurf der Thesen zum 8.Parteitag der DKP.Düsseldorf 1985 S. 63.

۳ ــ و.ای. لنین ، مجموعه‌کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۱۷ ، صفحه ۲۵ .

www.iran-archive.com

به پیدایش دستگاه عریض وطویل اداره اقتصادی انجامد که باید گفت اغلب افرادی ازصفوف کارگران پرسنل آنرا افزایش میدهند . دفاع ازاساسهای سرمایه داری که دستخوش بحران هااست ، نیازمند گسترش دستگاه تضییق وفشاراست که برخی افراد ازمحیط کارگری هم در آن " داوطلب خدمت " میشوند .

علاوه براین افزایش نقش علوم بمنزله نیروی بلاواسطه تولیدی ضرورت گسترش دامنه آمادگی پرسنل مهندسین وتکنیسین هارا بدنبال دارد . طی بیست سال اخیرتعداد دانشجویان درجمهوری فدرال آلمان ازیک میلیون نفرتجاوزکرد . تعداد مهندسین به ۵۰۰ هزارنفرمیرسد واین حرفه هم مانند شغل معلمی وحرفه تکنیسین هامدتهااست حرفه ای شده است . البته ، گرایش درجهت مخالف راهم نباید ازنظردورداشت : دانش های تکنولوژی متخصصین درکمپیوترها " جسمیت " پیدا میکند وخود متخصص درتولید بحالت فرد زیادی درمیآید .

به بازدهی کاروشدت آن هم فوق العاده افزوده میگردد . این جریان نیازمند بسط و تکامل سیستم معلومات حرفه ای ـ تکنیکی عمومی وتخصص ، اطلاعات ، بهداشت ومانند اینهـا تحقق رفورم در " مدارس ملی " (تعداد کمتری دانش آموزدرکلاس باتعداد بیشتری آموزگار) است . دراطراف این مسایل درگیریهای شدیدی روی میدهد ، زیراسرمایه بزرگ میکوشد درعرصه آموزش وپرورش سیاستی رااعمال کند که فقط بامنافع آن مطابقت کند (ازجمله " اتحادهائـی " باسرمایه انحصاری بوجودآورد که برای قشرهای میانه هم جالب باشد) .

پروسه هائی که دربالا نام بردیم نه فقط بهتغییرات ساختاری درخود طبقه کارگر ، بلکـه به پیدایش تغییراتـی درمحیط اجتماعی آن نیزمنجرمیگردند . درباره این موضوع بحث های بسیار زیادی درمیگیرد که درجریان آنها همیشـه عقایدی که باندازه کافی مستدل باشد ابرازنمیشود .

بطورمثال چنین نظریه ای شایع است که گویا بعلت کاهش سهم کارجمعی درتولید طبقـه کارگر " سنتی " ازبین میرود وجای آنرا گویا " طبقه تـازه ای " میگیرد که تکنیسین هابوجود میآورند .

این قبیل نظریات حداقل دارای دونقص متدلوژیک است .

اولاً ، پروسه های اجتماعی اساسی درطبقه کارگروقشرهای متوسط ازطرف این افـراد دراصل ومنبع وبهاتمام روابط متقابلشان ودرمجموع بررسی ومطالعه نمیشوند ، یااینکه بطورکلـی بدانها توجهی نمیکنند .

ثانیاً ، اهمیت اجتماعی این یاآن طبقه یاقشربسته به تعدادآن تعیین میگردد ، واگر مقدارکارجمعی کاهش بپذیرد ، بطوریکه بعامیگویند ، ازنقش طبقه کارگرهم کاسته میشود . ولی اگر چنین برخورد " عددی " درست میبود ، آنوقت درشرایط سرمایه داری معاصربورژوازی بطریق اولی

درپیشرفت جامعه تأثیرجدی نمیکرد ، درحالیکه ، بطوریکه میدانیم این چنین نیست .

ثالثاً ، این موضع اهمیت چنین پرسشی رانفی میکند که تولید کننده اصلی ثروتهای مادی کیست .

علاوه براین طرفداران نظریه ای که ذکرشد مسائلی مانند وضع فرد کارگرد رپروسه تولید ، دیالکتیک درونی کارجسمی وفکری ، ارتباط متقابل آنها بامناسبات توزیع ومقدار درآمد فرد کارگـر راازنظردورمیدارند . بالاخره ، تعلق طبقاتی انسان فقط بانوع کار یاشکل روابطش باتکنیـک معین میشود ، این چیزیگری بجزبروزمتدولوژی " دترمینیسم تکنولوژیک " وبانوعی ازانواع تئوری جامعه صنعتی نیست .

خلاصه اینکه ، اگربدقت همه این نظریات رابشکافیم ، معلوم میشود که درتعیین مفهوم " طبقه " سردرگمی آشکاری وجود دارد . ولی بدون برخورد دقیق بدان نمیتوان بدرستی پروسـه های اجتماعی را که درجریان است ارزیابی نمود وبطریق اولی نمیتوان پیشرفت بعدی وپی آمـد های آنهارا پیش بینی کرد .

درعین حال ازسال ۱۹۶۰ باینطرف تعداد طبقه کارگرد رکشورما تا ۷۶ درصد اهالی که از لحاظ اقتصادی فعال هستند افزایش یافت . درهمان مدت درصد گروههای دیگری که بطورمزدی کارمیکنند از ۷٫۶ تا ۱۲٫٤ درصد اهالی که ازلحاظ اقتصادی فعال هستند بالا رفت . بدیـن ترتیب میتوان گفت کارگران وکارکنان مزدبگیرد رجامعه جمهوری فدرال آلمان نوع اجتماعی را تشکیل میدهند که ازلحاظ تعداد برتری دارند .

افرادی که درجمع نامتجانس گسترده کارکنان کارمزدی وارد میشوند یامزدبگیرهستنـد ویاحقوق بگیر . این سئوال پیش میآید که ازلحاظ اجتماعی آنهارا چگونه باید طبقه بندی کرد ؟

بخش بزرگی ازآنان به طبقه کارگرتعلق ندارند . بطورمثال ، روشن است که سرپزشک مسئول بیمارستان که حقوق میگیرد پرولتر نیست ، درحالیکه خواهرپرستاری هم که حقوق بگیراست درست بهاین طبقه تعلق دارد . ماشاهد تفاوتهای فاحش میان نیروی کارگری پرولتاریا وقشـر های دیگری هستیم که کارمزدی انجام میدهند .

نمیتوان یادآورنشد که درشرایط سرمایه داری معاصرهم تحصیلات عالی عاملی اسـت که راه رابسوی امتیازها میگشاید . آموزش عالی میتواند بهکارکنان امکان دهد درپروسه تجدیـد تولید وظائف ویژه ای راانجام دهند وهمچنین درسیستم تقسیم کاروتعاون وتشریک مساعی مقام بالاتری رااحرازنمایند . این موضوع همچنین باافزایش قیمت وارزش نیروی کاراین قبیل گروههـا درارتباط است . درمواردی که فردی که دارای تحصیلات عـالی است وظائف مدیریت وسرپرستی

www.iran-archive.com

انجامید هد درآمدی بدست میآورد که ازد ستمزد کارگر بیشتر است .

درعین حال کاتگوری کارگران وکارکنانی که مورد نظر است ومزد بگیر هستند (صرفنظر از مدیران) منتسب به بورژوازی نیستند ، زیرا د رشمار کسانی نیستند که با بهره برداری از بخشی ازکار دیگران وسیله امرارمعاش خود را فراهم میکنند . ازاینجا نتیجه میشود که این کاتگوری ازافراد همراه با روشنفکران مزد بگیر د قشرمتوسط معاصر را که کارمزدی انجام میدهد تشکیل میدهند . این کاتگوری ها ازقشرهای متوسط افزایش مییابند ، درصورتیکه قشرهای کهن که هنوز دارای وسائل تولیدی هستند وبراین پایه چرخ تولید خرده کالائی رامیگردانند بتدریج ازبین میروند .

بدین ترتیب قشرهای متوسط تازه ، اگرچه بافروش نیروی کارخود هم زندگی میکنند ، چون آمادگی مقدماتی لازم را پیدا میکنند وکارشان هم اساساً کارفکری است ، بهرتقدیر دیگر پرولتاریا نیستند . البته ، فرق است میان کسانیکه فقط دستورات مافوق راا جرامیکنند وآنهائیکه درجریان تولید دستورمیدهند ، هرچند هم که مجری اراده سرمایه دارباشند ، فرق است میان آنهائی که اساساً به کارجسمی اشتغال دارند باآنهائیکه بطورعمده کارفکری انجام میدهند . میزان درآمد کارمندان ونزدیکی بمقامات فوقانی هیرارشی تولیدی هم " فاصله " دیگری رابوجود میآورد . این قبیل تفاوتها میتوانند به پیدایش تضادهای واقعی میان نمایندگان قشرهای متوسط و کارگران منجرشوند .

تفاوت میان قشرهای معینی ازکارکنان کارمزدی واقعیتی عینی است ومارکسیست ها نمیتوانند آنرا ازنظرد وردارند . توجه به این قبیل تفاوتها ازلحاظ اقتصادی ، اجتماعی ، سیاسی وایدئولوژیک اهمیت فراوان دارد . تعلق قشرهای متوسط تازه بدوران رسیده همراه باطبقه کارگربه یک گروه اجتماعی که کارمزدی انجام میدهند ازیکسو آنها رابهم نزدیک میکند وازسوی دیگر برای نفوذ ایدئولوژی غیرپرولتری که برای طبقه کارگر بیگانه است ولی درقشرهای متوسط کاملاً اشاعه دارد امکان فراهم میسازد .

درارتباط باموضوع ما مسئله دیگری یعنی وضع جوانان کارگرشایسته بحث وبررسی در صفحات مجله است .

دراینجا باید درنظرداشت که بخش فعال یاآماده برای فعالیت کارگران جوان رادردرجه اول اعتراضات قشرهای غیرپرولتربخود جلب میکند . بنظرمابدین سبب چنین جریانی روی میدهد که کارگران جوان عقاید ونظریات خود راباجرّوبحث بانمایندگان سایرقشرهای جامعه ، نه فقط در مؤسسات ، بلکه درمحیط غیرطبقاتی تکمیل نموده بدان شکل میدهند .

این نیزحائزاهمیت است که دراعتراض ضدانحصاری معاصرپرخورد ویژه ای بمسئله

درک دموکراسی بوجودآمده است . جوانان (ونه فقط آنها) ازیکسو دربرابرقاعده وقانون وبوروکراسی دولتی ــ انحصاری مقاومت میکنند ، ازسوی دیگر (هرچند درآغازامر) دربرابرانضباط پرولتری . چنین موضعگیری نسبت به دموکراسی برای قشرهای متوسط تیپیک است . ولی عدم توجه به این نکته که جوانان پرولتری که آماد ممبارزه میباشند درواقع درهمان جنبش کارگری (بطور مثال آنجاکه نفوذ سوسیال ــ دموکراتها می چربد) آشکارا به کمبود دموکراسی برخورد میکنند از بیخ وبن نادرست میبود . بهمین علت است که دراین جوانان گرایش به پذیرش نظریات دموکراسی غیرپرولتری بوجود میآید . تفرقه کارگران خارج ازجریان تولید درجمهوری فدرال آلمان روبه افزایش است . محله‌های فقیرنشین تیپیک وجود ندارد (ولی فقیرنشین های کارگران خارجی هست) ، جوانان پرولتر دربخش ها وخانه‌هائی سکونت دارند که جوانانی ازقشرهای متوسط زندگی میکنند ، کاملاً طبیعی است که میان جوانان برسرمسایل ایدئولوژیک ، سیاسی ، فرهنگی واجتماعی اختلاف نظرهای گوناگون پدید میآید .

آنها باهم پی‌آمد های ضدانسانی سیاست سرمایه داری دولتی ــ انحصاری رادرعرصه تجدید تولید کالائی کنامش نیروی کارگری است احساس میکنند . بدترشدن شرایط مسکن ، خدمات عمومی وعرصه‌های فرهنگی واجتماعی (مانند مهدکودک ، مدارس ، مراکزتفریح واستراحت ونظایر اینها) هم جوانان کارگروهم جوانان قشرهای متوسط را دربرمیگیرد . علاوه براین ازتعداد سازمانهای ویژه کارگران (ازاتحادیه های مصرفی تامجامع فرهنگی وجنبش ها) که درگذشته میرونشان خود را برتوده های پرولتریاقی میگذارد کاسته شده وارج واعتبارشان کاهش یافته است . بسیاری ازجوانان وازجمله ازمحیط کارگری باهمسالان خود ازطبقات وقشرهای دیگر دراین طرزتفکرشریک هستند که ازدنیای کوچک خفه وبی نورمناسبات خانوادگی خود ببرند ، میکوشند اَشکالی اززندگی جمعی راشبیه " کمون " بوجودآورند . دراین قبیل محیط هامیان جوانان از قشرهای کارگری ومتوسط تماس نزدیک تری برقرارمیشود . درضمن فکروانديشه ایجاد " کمون " را جوانانی ازقشرهای متوسط که دارای تحصیلات بالاتری هستند رواج میدهند .

اکنون تولید وشرایط زندگی نیازمند پیمائی باکیفیت تازه ایجاد میکنند که بیشترازهمه درست درجوانان تأثیرمینمایند ودرتمام سیستم ارزش ها ، ازجمله ارزش های اخلاقی واستتیک بازتاب مییابند (فرهنگ باصطلاح " جوانان " پدید میگردد واشاعه پیدا میکند) . ازقرارمعلوم این مسئله شایسته تجزیه وتحلیل ژرف ازطرف دانشمندان مارکسیست است .

تمام آنچه گفته شد ، روبهمرفته ، نیازمند تکمیل کاربراتیک حزب میان جوانان است . این واقعیت که روشنفکران جوان عضوحزب کمونیست آلمان یاسازمانهادی وابسته بدان نسبتاً درصد

www.iran-archive.com

زیادی راتشکیل میدهند درجوانان تأثیری مثبت می بخشد . درضمن بدین نیزتوجه‌میشود که در شرایط بحران اقتصادی بخشی ازجوانان کارگرد رتلاش برای یافتن راهی برای تغییراوضاع با فعالیت بسیارد رجنبشهای‌مختلف دیگراشتراك‌میورزند . پتانسیل این‌گروه‌هم درارتباط بـــا افزایش توجه بمسائل حفظ محیط زیست ، بی آمد های‌بکاربردن پروسه های‌تازه تکنولوژیك و مسئله " انسان شیشه ای" (۱) تقویت میگردد . موفقیت های‌حزب " سبزها " درانتخابـــات پارلمان‌درجمهوری فدرال آلمان هم درجوانان کارگرتأثیرفراوان کرده است . کمونیست هـــا ، درجریان‌مناسبات وبرخورد خود باجوانان ، بویژه جوانان کارگر ، تمام این جنبه هارادرنظـــر میگیرند .

بدین‌ترتیب درعرصه‌تولید ، چه ازلحاظ محل سکونت وچه نقاط تفریح واستراحت ۳ ختلاط گروههای‌مختلفی ازکسانی صورت‌میگیرد که کارمزدی‌انجام‌میدهند . ماهمیدانیم که " سرمایـــه داری‌هم سرمایه داری‌نمیبود اگرپرولتاریای" خالص " درمحاصره انبوهی ازتیپ های فوق العاده مختلف قرارنمیداشت . . . اگردرون خود پرولتاریاتقسیم برقشرهای کم تروبابیشترپیشرفته و تقسیمات محلی‌گری ، حرفه ای ، برخی اوقات مذهبی ومانند اینهاوجودنداشت " (۲) .

این شیوه علمی را برای‌تهیه‌وتدوین برخوردی درست بمسائلی‌که درارتباط باگسترش عرصه کارمزدی پدید میآید نیزمیتوان مورداستفاده قراردادد . حل‌وفصل آنهابرای کمونیست ها فوق العاده مهم است ، زیرا بدون این‌کارجهت دادن بکارگران وتعیین‌موارد مشخص سیاست اتحاد های خود وتعیین چهارچوب دقیق ایدئولوژیك برای‌آن سیاست ، برای کمونیست هـــا دشواراست . این‌وظیفه ایست که خود زندگی بطورعینی درپرابرکمونیست های‌جمهوری فدرال آلمان مطرح میکند ، زیرا پروسه هائی پایه‌واساس مسائلی راکه‌یادآورشدیم تشکیل میدهند که طی مدت طولانی عمل وتأثیرمیکنند وبخش قابل توجهی ازاهالی رادربرمیگیرنـــد .

---

۱ ــ تشدید فعالیت دستگاه‌نظارت وکنترل درجمهوری فدرال آلمان منجربدان گردیدکه در کامپیوترهای‌اداره پلیس (وهمچنین درکامپیوترهای شرکت های بیمه وبیمارستانها) مشروح ترین اطلاعات درباره تقریباًتمام شهروندان کشورگردآمده است . دراین‌زمینه است که هرشهروندی " انسان شیشه ای" نامیده میشود . هیئت تحریریه .

۲ ــ و. ای. لنین ، مجموعه‌کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۴۱ ، صفحات ۵۹ــ۵۸ .

درآغازمرحله ای دشوار

محمد ابراهیم نقود

دبیرکل کمیته‌مرکزی حزب کمونیست سودان

گسترش‌وپیشرفت مبارزه طبقاتی وپیکارسیاسی درسودان بمرحله تازه ای‌گام‌نهاده‌است. خلق‌ما شانزده سال‌تمام برای برطرف کردن رژیم خودکامه واحیای‌آزادیهای‌دموکراتیك‌وحـــق حاکمیت ملی‌کهپایمال‌شده بود مبارزه کرد . عصیان ماه‌مارس بمتحقق شعارعمده آن‌دوره منجرشد : جبهه‌گسترده ای‌برای بدست آوردن دموکراسی ونجات میهن پدیدآمد . رژیم استبدادی سقوط کرد ، پیاده کردن نهاد های سیاسی ، قضائی وغیرهٔ آن آغازگردید ، سازمان امنیت دولتـــی ، این‌مشت ضربتی ومهمترین ابزارفشاروتضییق دستگاه حاکمیت منحل شد . گروهی ازرهبـــران سازمان امنیت وسایرچهره های برجسته رژیم ماه مه (۱) به پشت میله هاوزندان روانه شدند . توده‌هابارد یگرامکان یافتند ازآزادیهای سیاسی مانندآزادی‌بیان ، اجتماعات ، اتحادیه هـــا وسازمانهای سندیکائی وغیره وهمچنین احزابسیاسی استفاده کنند . تغییراتی‌هم ، اگرچه نه زیاد درعرصه سیاست خارجی بوجودآمد .

شدت این مبارزه پرتوان ، عدم صحت کامل نظریات محافل خرده بورژوائی رانمایـــان ساخت که درباره قابلیت تحقق شعاراقدامات جمعی توده هاتخم‌شك‌وتردید میافشاندند ومیکوشیدند سیرورویدادهای جنبش خلق راتابع قضاوت ها وتصورات ذهنی خود سازند . آنهابدین منظـــور احوال وروحیه یأس‌آمیزوانتظارنشستن رادرآن اشاعه میدادند . پیروزی‌که بدست‌آمد شرایـــط عینی مساعد ی‌بوجودآورد تادایره وسیع تری ازنیروهای اجتماعی‌رابتوان بسوی دورنماهای یـــك انقلاب ملی ــ دموکراتیك وپیشتیبانی ازبرنامه آن کشاند . جنبش توده ای‌بمراحل‌تازه وپیشرفته ای گام نهاد وحالا مهم این است که نگذاریم یك گام هم بعقب برگردد .

---

۱ ــ رژیم ج . نمیری درماه مه ۱۹۶۹ درنتیجه یك کودتابروی‌کارآمد . هیئت تحریریه .

www.iran-archive.com

درضمن نمیتوان گفت که هدفهای عصیان تماماً بدست آمده است . بسیاری از ساختار هاونهاد های رژیم نمیری دست نخورده باقی مانده است ودستگاه دولتی تصفیه نشده وتجدید سازمان نیافته است . قوانین ویژهٔ اِعمال تضییق وفشاری که دردوران نمیری به تصویب رسیده ، بقوت خود باقی است وقرارداد هائی که استقلال وحق حاکمیت ملی مارا متزلزل میسازند ، ملغی نشده است . بسیاری ازمسایل مهم دیگرنیزحل نشده باقی است .

علل این رابایددرضعف جنبش خلقی جستجوکرد . عمده ترازهمه عدم اتحاد درصفوف اپوزیسیون است که بالاخره موفق نشد ، قبل ازقیام توده ها درباره اقدامات مشترک وکاربایه مشترکی به توافق برسد . احزاب راستگرا ، ازجمله حزب "اُلاُمّه" واتحاد سوسیالیستی سودان وغیره عنوانه ازامضای سند مشترکی باکمونیست ها سرباز میزدند ، اگرچه ما پیگیرانه ازهشی ایجاد جبهه وسیع اپوزیسیون وسرنگونی رژیم ازطریق عملیات جمعی توده ها پیروی میکردیم . این را فقط چنین میتوان توضیح داد : عدم علاقه وتمایل بمتحد شدن باحزب کمونیست سودان وقبول حق موجودیت آن بمنزله سازمان سیاسی قانونی پهرازنابودی دیکتاتوری . حساب آنها این بود که خود رااز رژیم نمیری خلاص کنند بدون اینکه توده ها رابرای قیام بسیج نمایند ، قیامی که بآنها امکان دهد درحاکمیت تازه مدعی نقش شایسته ای برای خود بشوند . حساب روی یک کودتای نظامی رهائی بخش یامداخله ایالات متحده امریکا ، عربستان سعودی ومصربود ، زیرا آنها طبق اخباری که درست بود جستجوی جانشینی برای حکمران خود کامهٔ ورشکست شده راآغازکرده بودند .

یکی دیگرازضعف های جدی جنبش این بود که طبقه کارگرنه فقط خود ابتکاری برای سازمان دادن یک اعتصاب سیاسی بخرج نداد ، بلکه بمثابه یک نیروی سازمان یافته باتأخیر بدان پیوست ، اگرچه شرکت کارگران درتظاهرات خصلت توده ای فعالی داشت . درترکیب اتحاد نیروهای میهنی رهائی بخش که عصیان رارهبری میکرد کارگران سندیکاها شرکت نداشتند . علت این بود که رژیم نمیری باتحت فشارقراردادن نیروهای دموکراتیک سندیکاها وتحت پیگرد قرار دادن تمام نیروهای مترقی وعناصرمبارز درجنبش پرولتری توانست رهبری اتحادیه هارا مطیع خود نماید ، آنهارااز توده های زحمتکش جدانموده وبه دستگاه بوروکراتیک حاکمیت دولتی وابسته سازد . تضعیف مواضع حزب کمونیست وکاهش نفوذ آن درطبقه کارگر ، بویژه درپایتخت کشورکه نتیجه سیاست تضییق وفشارارگانهای حاکمیت بود نیز نقش خود را ایفاء کرد . مجموع زمین داران هم که رهبری آنرا درشرایط دیکتاتوری وقت ثروتمندان روستاها وتجار بزرگ دراختیارخود گرفته بودند ازنبردی که درگرفته بود برکنارماندند .

درنتیجه اینها رهبری عصیان بدست روشنفکران خرده بورژوا درسیمای لیدران اتحادیه

های کارمندان وافرادی که دارای مشاغل آزاد هستند مانند پزشکان ، معلمان ، مهندسین و همچنین دانشجویان افتاد . خود اتحادیه نیروهای میهنی رهائی بخش هم با یتکاراتحادیه های دانشجویان واستادان دانشگاه خرطوم بوجودآمد . نمایندگان روشنفکران چنین عقیده داشتند ودارند که رسالت رهبرواقعی وفعال اپوزیسیون درواقع بعهده آنها است واحزاب سنتی ، ازجمله حزب کمونیست گویا ازپیشرفت وگسترش جنبش توده ای عقب مانده اند .

دراین شرایط بود که ارتش وارد صحنه شد . فرماندهی نیروهای مسلح حاکمیت کشوررا بدست گرفت وشورای نظامی موقت تشکیل گردید . ترکیب شورانامتجانس است ، درآن کسانی شرکت دارند که دارای گرایش ها ونظریات سیاسی مختلف ، اغلب محافظه کارانهٔ راستگرا ، میباشند . اما ، عموماً ماشورارا بمثابهٔ محصول مبارزه ونتیجه تأثیرمتقابل عوامل گوناگون درداخل وخارج ارتش میدانیم .

اینکه انسان خود راازپیکارکنار بکشد ویااعلام اینکه من تقصیری ندارم زیرافرماندهی ارتش بارضایت ایالات متحده امریکا ، عربستان سعودی ومصرگویا به کودتای درباری دست زد وبرای حفظ رژیم نمیری را فداکردند تادرضمن ازرسیدن نیروهای رادیکال خلق بحاکمیت هم جلوگیری نمایند کاریسیارساده ایست . بدین ترتیب بااعتراف به شکست عصیان ممکن میبود با احساس تأسف ونومیدی دست روی دست نهاده وبه نظارت رویدادها پرداخت .

ولی این برخوردی سطحی بدون درنظرگرفتن واقعیات وشرایط موجوداست . رویداد های ششم آوریل که پیدایش یک دولت نظامی رادرپی داشت اقدامی نبود که ازپیش برنامه ریزی شده وازپیش خبرکرده باشند . نمیتوان آنرا به کودتای ژنرال عبود درسال ۱۹۵۸ ویا به شورش ماه مه سال ۱۹۶۹ تشبیه کرد . آنوقت مردم آماده نبودند برای سرنگونی رژیم بپاخیزند ونظامیان هم به ابتکارخود عمل کردند . این بار ، عصیان توده ها بود وفرماندهی نیروهای مسلح خیال نداشت نه بسود نمیری عمل کند ونه علیه او . فرماندهی نیروهای مسلح مقدم برهرچیزتحت فشار ارتشیان درجات پائین مانند سربازان ، استواران وافسران جزء مجبور بمداخله درویدادها شد .

سربازان ودرجه داران ارتش درجریان عصیان مردم نقشی مهم ، ولی نه تعیین کننده ایفاء کردند . آنها مانند سایرتوده های مردم عصیان نکردند ، ولی واحد های نظامی راکه برای حفاظت مؤسسات استراتژیک اعزام شده بودند ، وادارکردند به سربازخانه ها برگردند ، با اعلام حکومت نظامی که پیش بینی میشد بوسیله آن ارتش رابرای ایفای نقش پلیس جلب کنند ، مخالفت کردند وقاطعانه اقدامات سبعانه ارگانهای سازمان امنیت علیه تظاهرکنندگان راممکوم نمودند .

www.iran-archive.com

وبالاخره خواست برکناری نمیری موکداً اعلام گردید . فرماندهی خود را درمقابل گزینش یکی ازاین دو راه میدید : یا حاکمیت را بدست گیرد ویا بادیکتاتوراز صحنه خارج گردد .

این راکه نقش سربازان ودرجه داران ارتش ازچهارچوبی که گفته شد فراتر نرفت باعلل چندی میتوان توضیح داد . اولاً ، تشتت درصفوف اپوزیسیون سیاسی وفقدان کاریایه مشترک درارتشیان هم تأثیرکرد . ثانیاً ، تعقیب وپیگرد مداوم ، فعالیت عوامل بیشمارسازمان امنیت دولتی واداره اطلاعات ارتش موجب ضعف نیروهای سازمان یافته وسیاسی فعال درارتش گردید. ثالثاً ، اکثریت نظامیانی که دارای افکارد موکراتیک وميهن پرستانه بودند تصوری میکجانبه داشتند و آن اینکه وظیفه آنها فقط وفقط تدارك وانجام کودتای نظامی است . آنها به موفقیت عصیان مردم باورنداشتند وازلحاظ روحی هم حال وحوصله وآمادگی جستجوی وسائل وشیوه های پشتیبانی ازآن رادرخود نمیدیدند .

مسئله کاملاً بطرزدیگری مطرح میشد وآن اینکه نظامیان آماده اند حاکمیت رابدست گیرند درصورتیکه توده ها ازآنها پشتیبانی نمایند ، به بیان دیگر : ابتدا کودتا، سپس قیام توده ها .

احوال وروحیه شورشی منجربدان شدکه یك امکان کاملاً نادرازدست رفت ؛ هنگامیکه درخرطوم صدها هزارنفربه خیابانها آمدند ، نظامیان میتوانستند بآنها ملحق شوند ، به توده ها بپیوندند وبدین ترتیب گذارحاکمیت بلاواسطه بدست نمایندگان جنبش مردمی راتأمین کنند .

ولی ما درباره ضعفها ونکات منفی ازاین نقطه نظرسخن میگوئیم که آنها چگونه میتوانند درگسترش وپیشرفت آتی مبارزه مؤثرواقع شوند وکمونیست ها برای برطرف ساختن آنها بطورمشخص چه باید بکنند . تجزیه وتحلیل نواقص واشتباهات رانباید به شکایات بی ثمروتأسف پاسیف فاکت ها ، یعنی چیزیکه ازخصوصیات طرزتفکرخرده بورژوائی است تبدیل کرد .

عصیان ماه مارس باوجود تمام نقاط ضعفش بزرگترین گام درگسترش وپیشرفت پروسه انقلابی درسودان بود . این عصیان ازلحاظ دامنه وعمق خود برانقلاب اکتبر ١٩٦٤ (١) برتری دارد . کم بهادادن به اهمیت آن بمعنی متزلزل ساختن دست آوردهای آن ووابسته کردن جنبش به حکومت نظامیان وآن نیروهای داخلی وخارجی است که نسبت به آزادی ، دموکراسی وحق حاکمیت ملی برخوردی خصمانه دارند .

خطرازچند جانب پروسه گسترش دموکراسی راتهدید میکند : ازیکسو بورژوازی طفیلی ازنیم ازدست دادن منابع ثروتمند شدن خود درداخل کشورفعالیت های توطئه آمیزی رادنبال میکند ، ازسوی دیگر " اخوان المسلمین " که بشدت باالغای " قوانین اسلامی " سال ١٩٨٣ مخالفت میکردند ، هدف ازوضع آن قوانین ایجاد تکیه گاه ودرعین حال پرده ساتری برای فرمانروائی

١ ــ تظاهرات واعتراضات مردم دراکتبرسال ١٩٦٤ به سرنگونی دیکتاتوری عبود منجرگردید.
هیئت تحریریه

فردی وخودکامگی بود) بالاخره بقایای رژیم نمیری ودرجه اول سازمان امنیت که شهرت غم انگیزی پیداکرده است .

تعداد کارکنان دستگاه سازمان امنیت درزمان حکومت نمیری به ٤٥ ٠٠٠ نفربالغ میشدکه ٢٥ ٠٠٠ نفرشان درخرطوم فعالیت میکردند . آنها مدرن ترین وسائل تکنیکی وسلاحهائی دراختیارداشتند که حتی ارتش هم نداشت . دستگاهی که فعالیت سازمان امنیت وسازمان اطلاعات وضد جاسوسی نظامی را هرروزکنترل میکرد سیابود که درسودان مرکزعملیات منطقه ای خود برای افریقای شرقی ومرکزی راایجادکرده بود . عمال ایالات متحده امریکارا درتمام نقاط کشورمیگماردند ، اردوگاههائی وجود داشت که درآنها عناصرمخالف دولت ازلیبی ، اتیوپی و جمهوری یمن دموکراتیك آموزش میدیدند . پس ازسرنگونی دیکتاتوروتصمیم به انحلال سازمان امنیت ، امریکائی هاتدابیری اتخاذ نمودند تاحتی الامکان تعداد هرچه بیشتری ازعمال خود را اززیرضربه خارج کنند . هزاران نفرازآنهاکه مانندگذشته اسلحه وپول واعتباریی اندازه ای در اختیاردارند ، تهدیدواقعی برای پروسه تغییروتحول هستند . آنهاکاملاً مستعد این هستند که طبق اوامرروسای سابق یاحامیان آنسوی اقیانوس خود دست به تحریك وشورش بزنند .

توجهی که ایالات متحده امریکانسبت به سودان مبذول میدارد تصادفی نیست . سودان درجهان عرب ودرقاره افریقا دارای وضع استراتژیك مهمی است . دراراضی آن پایگاههای دریائی وهوائی ونیزپایگاههای " نیروهای واکنش سریع " وجود دارند ، درآنجا بارها مانورهای بسیاربزرگ باشرکت نیروهای پنتاگون انجام گرفته است . واشنگتن منافع اقتصادی قابل ملاحظه ای هم درکشورمادارد وباین سادگی حاضرنیست ازآنها صرفنظرکند . ایالات متحده امریکا بوسیله عمال خود اهرم نسبتاً نیرومندی برای نفوذ درارتش سودان ، پلیس ، مجموعه دستگاه دولتی ، وسائل ارتباط جمعی ، مؤسسات آموزشی وفرهنگی وحتی درجنبش سندیکائی دراختیاردارد .

ارگانهای ویژهٔ اطلاعاتی کشورهای دیگرمضوناتووا سرائیل درتماس نزدیك با سیا عمل میکنند آنها تبلیغات ضدکمونیستی رابشدت دامن میزنند ومُصرانه بمردم تلقین میکنند که " تجربه گسترش دموکراسی " باشکست مواجه شده است . باپرداخت رشوه جنبشهای سیاسی واحزاب ، اتحادیه ها وارگانهای مطبوعاتی را مطیع خود میکنند . امکان داردکه دشمنان خلق سودان به کمك انواع عملیات خرابکارانه بکوشند درکشورهرج ومرج ایجادکنند تادستاویزی برای استقرار دیکتاتوری نظامی ، محدودساختن کامل آزادیهای دموکراتیك وازبین بردن دستاوردهای توده ها فراهم کنند .

وضع اقتصادی ومالی بسیاردشوارسودان بسود توطئه گران است . رژیم نمیری اقتصاد

www.iran-archive.com

ملی وتمام رشته‌ها وبخش های آنرا بهورشکستگی کامل کشاند . کشورکه بارسنگین وام خارجی را بدوش میکشد ، (بیش از دو میلیارد) قادر نیست نه قروض خود را مستهلک نماید ونه حتی بهره آنهارا بپردازد . قحطی وگرسنگی که پدیدآمده فقط پی‌آمد خشکسالی نیست ، بلکه نتیجهٔ سیاست فلاکتبار حکمرانان سابق هم هست . آنها با تشویق وترغیب تولید محصولات کشاورزی برای صدور به خارج زمین‌های قابل کشت برای مواد غذائی راکاهش دادند وزمینه وزیربنای تأمین اهالی با مواد غذائی راازبین بردند . درحال حاضر ازهرچهار نفرسودانی یکی گرسنگی میکشد .

چنین وضعی برای سرنوشت جنبش خلق بسیار خطرناک است . بی سروسامانی اقتصادی ، سنگینی بارزندگی وگرسنگی میتوانند حتی بدون دخالت مستقیم عوامل خارجی به فروکش کردن انرژی انقلابی توده‌ها منجرشوند ونیروی آنهارا تحلیل ببرند . برخلاف تفسیرنادرست مارکسیسمی که درمحافل بورژوائی وخرده بورژوائی معمول ومتداول است ما براین اصل متکی هستیم که فقر وگرسنگی بخودی‌خود هیچ عمل انقلابی بوجود نمیآورند . گرسنگان حال وحوصله سیاست را ندارند وعصیان مارس یکبارد یگراین راتایید کرد که‌کسانیکه بویژه بشدت ازگرسنگی رنج میبرند درآن شرکت نکردند .

این راهم نباید نادیده گرفت که‌کشورهای امپریالیستی بطورگسترده ازتحویل مواد غذائی بعنوان وسیله فشارعلیه‌کشورهای دریافت کننده استفاده میکنند . سودانی ها توانستند به تجربه خود متقاعد شوند که ایالات متحده امریکا دراین زمینه چگونه عمل میکند . آنها ازهمان دوران نمیری هم درعوض غلاتی که‌بما میدادند پایگاه نظامی ویاکمک درانتقال مخفیانه فالاش ها (۱) ازما مطالبه میکردند . کمک‌های عربستان سعودی‌هم بیغرضانه نیست . عربستان سعودی ومصرهردو منابع اساسی خارجی بیم وخطربرای پیشرفت سودان درراه دموکراسی هستند .

مابعد ون اینکه به این خطرکم بها بدهیم وتعداد زیاد وقدرت دشمنان دموکراسی را ازنظردورکنیم بهرحال بااطمینان وخوش بینی بآینده مینگریم . زیراعوامل داخلی وخارجی دیگری ، یعنی عوامل مثبت هم کم نیست . مقدم برهرچیزباید خودعصیان رادرشمارآنها قرارداد که بمتوده‌ها اعتماد تازه ای به‌نیروی خودشان داد وروحیه انقلابی آنهارا تقویت کرد وتجارب مبارزه آنهارا غنی ساخت

میباید اعتلای جنبش توده ای دموکراتیک درجنوب کشوررانیزیادآورشد که برای نخستین بار در سراسرتاریخ سودان معاصرنقش مثبتی درپیشرفت جنبش خلقی سودان بطورکلی ایفاء

---

۱ ــ منظورعملیات مخفی سازمانهای ویژهٔ اسرائیل است که یهودیان اتیوپی راازراه سودان به اسرائیل انتقال دادند . هیئت تحریریه .

مینماید . سابقاً نیروهای سیاسی جنوب سودان نسبت بهآنچه درسراسرکشورمیگذرد بی‌علاقگی نشان میدادند وفقط باین اکتفا میکردند که ازخواستهای محلی خود دفاع کنند . ولی حالا جنبش آزادی‌خلق سودان وجناح مسلح آن یعنی ارتش آزادیبخش توده ای سودان که برای تعمیق بحران رژیم نمیری وسرنگونی آن اقدامات بسیاری انجام داده ، برنامه روشن ودقیقی راارائه میدهد که طی آن ازگرایشهای جدائی طلبانه که سابقاً درجنوب گرایش مسلط بود ، فاصله میگیرد وبرضرورت اشتراک مثبت دراموری که جنبه‌ملی وهمگانی دارند تأکید میکند وهمه سودانی ها رافرامیخواند تافعالانه تردرپیکاربرای گسترش دموکراسی درجهات گوناگون زندگی میهن شرکت کنند .

افزایش فعالیت سیاسی نیروهای میهن پرست درارتش اهمیت فراوان دارد . این نیروها با گرایشهای راستگرامیان فرماندهان عالیرتبه مخالفت میکنند وبه پیشرفت جنبش ملی ــ دموکراتیک درکشوریاری میرسانند .

آنچه راعوامل مساعد خارجی میتوان نامید عبارتند از : فعالیت اپوزیسیون درمصرکه در برابرکسانی مانع ایجاد میکند که درمرزهای شمالی سودان به توطئه چینی علیه کشوراشتغال دارند ، استحکام مواضع انقلاب اتیوپی که برژیم سلطنت پایان داد (آن رژیم دائما ازنیروهای محافظه کاروارتجاعی کشورما پشتیبانی میکرد) وپیشرفت موفقیت آمیزتجربه انقلابی خود ویژه دریمن دموکراتیک که برای جهان عرب فوق العاده مهم است .

پیروزی جنبش‌مقاومت میهن پرستانه درلبنان که‌مشترکاً بانیروهای دموکراتیک انقلاب فلسطین وباپشتیبانی سوریه (که پایداری شجاعانه ازخود نشان داد) بااشغالگران اسرائیلی بمقابله پرداخت ومداخله گران امریکائی وناتوئی راوادارکرد باننگ ورسوائی پی کارخود بروند ، تأثیرژرفی درتوده‌های مردم سودان بخشید .

همبستگی بین المللی مداوم بامبارزه مردم ما اهمیت بسیارزیادی برای آنان داشته ودارد . فعالیت احزاب کمونیست وکارگری واحزاب انقلابی ــ دموکراتیک کشورهای عربی وسایر کشورها وافزایش قدرت کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ومقدم برهمه اتحاد شوروی ، مبارزخستگی ناپذیرد راه صلح وآزادی خلقها بهتشدید واعتلای مبارزه مردم ما یاری رساند .

درچنین اوضاع واحوال بغرنجی تهیه‌وتدوین مشی دقیق وواقع بینانه ای که‌متکی به تجزیه وتحلیل عینی ودورازساده‌کردن واقعیت باشد وپیروی ازآن ، اهمیت ویژه ای کسب میکند . در پلنوم فوق العاده کمیته‌مرکزی حزب کمونیست سودان که در ۲۰ آوریل سال جاری تشکیل گردید چنین تجزیه‌وتحلیلی بدست داده شد . پلنوم تأکید کرد که‌آنچه درحال حاضرمهم واساسی است

www.iran-archive.com

عبارتست از" تظاهرات واقدامات توده ای ، نقش اتحاد نیروهای توده ای وارتش در دفاع ازآنچه بدست آمده وحفظ ونگهداری آن درمقابل حملات دشمنان . . . " (١) .

بدین سبب مشی وحدت هرچه گسترده تربرای دفاع ازدموکراسی وحق حاکمیت ملـــی واحیای کامل آن ، اگرچه دروضع تاریخی تازه ودرسطح نوین وازمواضع تازه درمرحله ای جلوتر، بقوت خود باقی است . یکپارچگی توده های مردم مستلزم گسترش ترکیب اتحاد نیروهای ملی رهائی بخش طبق منشورآن وبراین اساس است که احزاب واتحادیه هائی که عملاً دراعتصاب سیاســـی وعصیان توده ای شرکت کرده بودند بدان بپیوندند . اتحاد نیروهای ملی رهائی بخش پس ازآنکه خصلت توده ای هرچه بیشتری کسب کند رسالت دارد به ارگان حاکمیت سیاسی توده هـــا مبدل گردد ، ارگان حاکمیتی که بیانگرارادهٔ آنها باشد ودرصورتیکه خطرات تازه ای جنبش خلق را تهدید نماید به اسلحه اعتصاب سیاسی متوسل شود . چنین چیزی موجب برطرف ساختـــن وضعی میگردد که پس ازآنکه سرفرماندهی نیروهای مسلح زمام امور را بدست گرفتهٔ پدید آمده است : در این وضع تمام اختیارات قانونگذاری در دست شورای موقت نظامی متمرکزگردیده ، نیروی اجرائیه دراختیارهیئت وزرائی است که بعداً تشکیل گردید وحقوق واختیارات اتحاد نیروهای ملی رهائی بخش اصولاً هیچگونه رسمیت قانونی نیافته است .

حزب ما ازاعلامیه سرفرماندهی نظامی دایربراینکه ارتش نمیخواهد یک دیکتاتوری نظامی تازه راجانشین رژیم خودکامه قبلی کند واینکه پس ازیکسال زمام امور به دولت غیرنظامی واگذارمیگردد استقبال کرد . ماقاطعانه مخالف این هستیم که نظامیان پس ازگذشت یکسال دوران گذار بازهم درحاکمیت باقی بمانند . حزب کمونیست سودان باهمین قاطعیت هرگونه تلاشی رابرای انجام کودتارد میکند ، اگرچه کودتاید ستاویزهای ویژه راستگرایان مانند " هرج ومرج برکشورحکمفرما است" " احزاب عدم توانائی خود رانشان دادند " ، " گامهای قطعی برای استقرار اصول اسلام ضروری است " باشد ویا درزیرنقاب جمله پردازیهای چپ مانند : " به عصیان باید ادامه داد " ، " باید انقلاب رانجات داد " وغیره .

ازتقریباً سه دهه موجودیت سودان مستقل ، ٢٢ سال آنرا حاکمیت نظامیان تشکیـــل میدهد . نتایج آن عبارت است ازبی سروسامانی اقتصادی ، رشد روزافزون بورژوازی طفیلی ، به بند کشیدن دموکراسی ومتزلزل ساختن حاکمیت ملی . ازاین نقطه نظرهمیان دیکتـــاتوری راستگرای مهبود ورژیم نمیری که درحرف ونه درعمل شعارهای چپ مترقی راعلام کرده بود ، تفاوتـــی

---

١ ــ اسناد ومدارک پلنوم فوق العاده کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان که ٢٠ آوریل سال ١٩٨٤ برگزارگردید .

نیست ، اگرچه اپورتونیست هائی که با اصطلاحات مارکسیستی بازی میکردند (بطورمثال گروهـــی انشعابی که ازحزب کمونیست سودان خارج شدند) ، تکنوکرات های کوته بین که از " مدرنیزه کردن جامعه " و " پیشرفت سراسری وهمه جانبه " سخن میگفتند وهمچنین کسانی که مذهب را وسیله سوء استفاده قرارداده بودند میکوشیدند حقانیت رژیم نمیری را باثبات رسانند .

سرنگونی حکومت استبدادی هنوزپایان کارنیست . احیای کامل دموکراسی مستلـــزم الغای تمام قوانینی است که آنرا نقض کرده اند ، ازجمله قانون اساسی سال ١٩٧٣ (که اجرای آنرا فقط موقتاً متوقف کرده اند) ، " لوایح قوانین اسلامی " سال ١٩٨٣ وقانون مربوط به سازمان امنیت وغیره . درهم شکستن رژیم نمیری ، بویژه ارگانهای سازمان امنیت آن هنوزباید انجـــام پذیرد . این کارنباید چنانکه اکنون جریان دارد درچهارچوب اقدامات رسمی وبوروکراتیک متحجر گردد . بدان باید توده هائی راجلب کرد که عملیاتشان ازطرف اتحاد نیروهای ملی رهائی بخش شورای نظامی موقت وارگانهای قضائی مشترکاً رهبری شود .

رژیم استبدادی را بدون تجدید سازمان دستگاه دولتی وازجمله ارتش وبدون بازگرداندن اخراج شدگان وراندهٔ شدگان نمیتوان ازبیخ وبن ریشه کن کرد . برای آنکه این تجدید سازمان بهتسویه حسابهای شخصی مبدل نگردد وبه اتخاذ تصمیمات کوته بینانه منجرنشود درانجام آن باید به مسئولین مؤسسات دولتی کمک کرد وموازین استواری تهیه وتدوین نمود که مورد موافقـــت سندیکاها باشد وتحت کنترل آنها بکاربرده شود . افرادی که درتضییق وفشارعلیه مردم شرکـــت داشته اند وآنها رابعلل سیاسی تحت پیگرد قرارداده اند حق ندارند آزاد باشند . دراینجـــا صحبت ازمحدود کردن دموکراسی نیست ، هدف حفظ وحراست دموکراسی ازدست پروردگـــان دیکتاتوراست .

برطرف ساختن میراث رژیم نمیری درعرصه اقتصاد هم بشکل بسیارحادی مطرح است . برای جلوگیری ازفروپاشی آن باید تدابیرفوری اتخاذ گردد ، باید هزینه های بی اندازه زیاد برای نگاهداری دستگاه دولتی راتقلیل داد ومنابع آزادشده را برای کمک به گرسنگان وبهبود وضـــع توده های مردم اختصاص داد . نخستین بخش این وظیفه تاحد معینی انجام یافته است ، زیرادم ودستگاه کاخ رئیس جمهوری ، سازمان امنیت ، اتحاد سوسیالیستی سودان که درزیرنمیری تنها سازمان سیاسی علنی بود وارگانهای سابق قانونگذاری واجرائیه هم درمرکزوهم درسایرنقاط منحل شده اند . ولی دومین بخش آن یعنی بخش باصطلاح مثبت آن مانند گذشته درانتظـــار پیدایش راه حلی است .

برای گسترش مناطق قابل کشت غلات وبالا بردن محصول آنها بمنظور بهبود بخشیدن بـــه

وضع خواربار، نجات مردم ازگرسنگی وکاهش وابستگی به کمك ازخارج باقدامات قاطع وفوری نیاز است . هنوزنمیتوان ازاین کمك صرفنظرکرد ، ولی این کمك بایستی طوری تقسیم گردد که به منبع ثروت اندوزی برای کارمندان عالیرتبه وبوروکرات ها بحساب مستمندان مبدل نشود .

برای یافتن راه برون رفت ازوضع بحرانی ما پیشنهاد میکنیم کنفرانس اقتصادی ملی فرا خوانده شود که در آن نه فقط دانشمندان ومتخصصین ، بلکه همچنین نمایندگان احزاب سیاسی سندیکاها وسازمانهای اجتماعی شرکت کنند . یکی ازمسائل اساسی که درکنفرانس باید مورد بحث ومذاکره قرارگیرد ، اینست که چگونه میتوان درمقابل فشاروشانتاژ" صندوق بین المللی پول " مقاومت کرد . حزب کمونیست سودان توصیه هاود ستورات آنرا کاملاً رد میکند . ازجمله مایقین داریم ، تنزل ارزش فوند سودان که درماه فوریه برای بارسیزدهم انجام گردید بایستی آخرین تقلیل باشد . درمقابل مطالبات " صندوق بین المللی پول " مبتنی برتقلیل بیشترمحلهای کار بمنظورکاهش هزینه های دولتی ، برهان خُلف شایسته ای وجود دارد : رئیس جمهوری کشور واعوان وانصارش ازمقام خود برکنارشده اند ، ازاین معرمقدارزیادی پول برای خزانه دولت جوش میشود .

کمونیست ها همه نیروهای میهن پرست رافرامیخوانند که دراین مورد درجبهه واحدی عمل کنند تا مبارزه نه کیفیت پیکار رسطوح بالائی ، بلکه خصلت توده ای بخود بگیرد . آلترناتیو وابستگی به مؤسسات مالی بین المللی که ازطرف امپریالیسم کنترل میشود ، تشریك مساعی با سایرکشورهای " جهان سوم " است که قربانی سیاست دیکتات هستند (دراینجا سودان میتواند نقش مبتکررا ایفاء کند) وتکیه بهجامعه کشورهای سوسیالیستی میباشد که مناسبات ما باآنها طی ۱۵ سال بحالت تعلیق درآمده بود .

بطورکلی سودان درعرصه بین المللی باید بمنزله یك کشورمستقل ، دارای حق حاکمیت وغیرمتعهد عمل کند . آنچه راکه باچنین مشی مغایرت دارد باید رد کرد . این کار در درجه اول به وجود پایگاههای نظامی ایالات متحده امریکا درسرزمین ما مربوط میشود . تصمیم به ایجاد آنها رانمیتوی خود سرانه وبدون اینکه آنرا درکابینه وزراء ، مجلس خلق ویا درارگان دیگری مطرح کند اتخاذ کرد . این قبیل بندوبست ها برای مردم سودان وحکومت سودان پشتوانه قانونی ندارند . کشورما با هیچیك ازکشورهای همسایه دشمنی نمی ورزد وبه پایگاههای خارجی نیازی ندارد . واشنگتن باید بخاطربیاورد که سودان تگزاس نیست .

درسیستم روابط خارجی سودان مصرازنظرتاریخی جای ویژه ای دارد . حزب کمونیست سودان همیشه طرفدارعلائق نزدیکی (که درپیکارمشترك استحکام یافته) میان خلقهای سودان

ومصرپوده وهست . ازجنوب هیچ خطری مصرراتهدید نمیکند وتهدید نخواهد کرد . ولی این امربهیچوجه باوظیفه ملی ما که دست یافتن باصلاح وازبین بردن چیزهائی است که درمناسبات متقابل کنونی ما آنهارا غلط ومضر بشمارمیآوریم تضاد ی ندارد . قاهره بااستفاده ازضعف ها و انزوای عمیق رژیم نمیری ، بزیان منافع سودان باآن قرارداد ی درباره همپیوند ی اقتصادی ودفاع مشترك منعقد کرد . حالا مصربه فرمانروای برکنارشده پناه داده ودرتلاش برای ممانعت ازعادی شدن مناسبات سودان بالیبان واتیوپی کشورمارا زیرفشارقرارمیدهد .

این سیاستی خطرناك وزیانبخش است . ما باد رنظرگرفتن منافع هرد وخلق خواستار الغای آن قرارداد وسایرقراردادهای غیرعادلانه هستیم . ماعقیده داریم که آینده مناسبات مصر ـ سودان وابسته به صرفنظرکردن قاهره ازادعای قیمومت سودان وپذیرش این شرط است که باآن بمنزله طرفی باحقوق برابرمعامله کند .

آتش مبارزه اکنون تیزترمیشود . درگیریهای بیشماری درپرابرما است . دراین درگیریها خاطره رفقای ازدست رفته ما وتمام کسانی که درمبارزه درراه دموکراسی واستقلال ملی جان خود را فداکرده اند بما الهام می بخشد . سرچشمه انرژی انقلابی برای ما تجارب پیکار افتخارآمیزکمونیست ها است که سرشار ازنمونه های پایداری وفداکاری بهنگام دفع حملات دشمن ، پاکیزه نگاهداشتن ایدئولوژی طبقه کارگرودفاع ازوحدت ویکپارچگی صفوف حزب میباشند .

www.iran-archive.com

«ریزوسپاستیس» ندای حقیقت است

یک خبر تازه : روزنامه "ریزوسپاستیس" ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان میان تمام روزنامه‌های صبح وعصر کشور بین خوانندگان بیش از همه محبوبیت دارد . هم شماره های روزانه آن وهم شماره ویژه روزهای یکشنبه در سراسر کشور خواننده دارد . این موفقیت بزرگ روزنامه ایست که فقط یازده سال اخیر بطور علنی منتشر میشود .

راه موفقیت راهی دراز و دشوار بود . تاریخ "ریزوسپاستیس" که معنی لغوی آن در زبان یونانی "رادیکال" است از اوایل قرن بیستم آغاز میگردد . روزنامه که پیش از پیدایش حزب کمونیست یونان بمنزله نشریه ای مترقی انتشار میافت ۶۷ سال پیش ارگان کمیته مرکزی حزب شد و از آن زمان تا حال بدون وقفه بمنزله وسیله تبلیغ ، تهییج وسازماندهی تودها در اختیار کمونیست های یونان است .

"ریزوسپاستیس" طی دهها سالی که کشور را رژیم‌های دیکتاتوری ارتجاعی اداره میکردند بطور مخفی چاپ ومنتشر میگردید . قطع آن کوچک بود وخیلی ساده صفحه بندی میشد . ولی روزنامه همیشه به دورترین نقاط یونان هم راه میافت ومردم را به مبارزه فرا میخواند .

یکی از قهرمانانه‌ترین صفحات تاریخ روزنامه بهنگام برگزاری جشن چهلمین سالگرد آزادی کشور از اشغال هیتلریها برای مردم آشکار گردید . پائیز گذشته شورای شهرداری ناحیه کالیته آ شهر آتن در کوچه آرام اسکرا خانه شخصی کوچکی را خریداری کرد . در میتینگی که در آنجا تشکیل گردید درباره سرنوشت غیرعادی آن خانه صحبت شد ؛ از سال ۱۹۴۲ تا آخر اکتبر سال ۱۹۴۴ چاپخانه بمعنی واقعی کلمه مخفی کمونیست ها در زیرزمین عمیق آن خانه قرار داشت . علاوه بر "ریزوسپاستیس" در آنجا روزنامه "یونان آزاد" ارگان جبهه ملی آزادیبخش وشب نامه وتراکت های رزمجویانه هم بچاپ میرسید .

کارکنان چاپخانه که بمعنی واقعی کلمه در چند قدمی اشغالگران ودست نشاندگان محلی آنها کار میکردند اغلب چند بن هفته از زیرزمین بیرون نمیآمدند . ماشین روتاتیو الکتریکی مارک "ویکتوریا" را برای اینکه بی سروصدا کار کند مجبور شدند اول با چرخ پائی بکار اندازند و بعد آهم

آنرا با دست بحرکت درمیآوردند . افراد انگشت شماری که از محل چاپخانه با اطلاع بودند ، این راز را حتی از افراد خانواده خود هم پنهان نگاه میداشتند . اگر کمونیستی بچنگ گشتاپو میافتاد هرشکنجه ای را تحمل میکرد ولی چاپخانه را لو نمیداد .

پس از جنگ حزب چاپخانه را بست ومحل آنرا محفوظ نگهداشت وفقط چندی پیش ، وقتی خطر خراب کردن خانه‌های کوچک در آتن برای آن خانه هم خطری واقعی شد وآنرا تهدید نمود تصمیم گرفته شد زیرزمین کهنه را بگشایند ودر کوچه اسکرا موزه مطبوعات مقاومت را به نشانه سپاسگذاری از قهرمانان مطبوعات کمونیستی بوجود آورند . فقط تعداد بسیار کمی از آن قهرمانان از چنگ گشتاپو آلمان کشان ارتجاع محلی جان سالم بدر بردند .

سقوط دیکتاتوری "سرهنگ های سیاه" در سال ۱۹۷۴ در برابر روزنامه که با اوج واعتبار معنوی شایسته ای از حالت مخفی بیرون آمده بود افق‌های تازه ای را گشود . ت . کارتروس ، سردبیر روزنامه وعضو کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان بمن گفت تجدید کار روزنامه در شرایط تازه کار آسانی نبود . به چاپخانه خوب واقعی برای چاپ مرتب وبموقع نشریه ای روزانه وتیراژی در مقایسه با معیارهای یونان بسیار زیاد نیاز داشتیم . کادرهای متخصص کم داشتیم . برای حل و فصل این مسائل وقت لازم بود . فقط سه سال پیش "ریزوسپاستیس" به چاپخانه خود مانقل مکان کرد وصاحب بزرگترین ساختمان اداره روزنامه شد که در آن افرادی که حزب آماده کرده وبدان وفادار هستند کار میکنند .

کمکهای داوطلبانه مردم وهزاران ساعت کار بدون مزد روزهای کار جمعی رایگان" سوبوتنیک های سرخ" باامکان دادند خانه ای برای حزب بسازیم که دفتر و ستگاه اداری کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان در آنجا مستقر شده است . این ساختمان بزرگ روشن با معماری مدرن نزدیک ایستگاه "پریسوس" مترو آتن قرار دارد . در خیابان پررفت وآمدی ردیف انبوهی اتومبیل دائماً در حرکت است . روبروی آن آنطرف خط متروکه از روی زمین رد میشود ساختمان های مؤسسات صنعتی دیده میشود . جلوی در ساختمان خانه حزب شب وروز چند نفر جوان کشیک میدهند . زمانی که باید هشیار بود هنوز سپری نشده است .

دفتر روزنامه وچاپخانه یکی از اضلاع ساختمان را بخود اختصاص داده اند . جا ندارند ورزنامه نگاران کمپ پهلوی هم نشسته اند . ولی شرایط طوری است که امکان میدهند هم مقاله های روزنامه را بنویسند وهم با خبرنگاران روزنامه در نقاط مختلف کشور در ارتباط باشند . اخبار واطلاعات بین المللی را از خبرگذاریهای محلی تا سروآسوشیتد پرس میگیرند . روزنامه در خارج از کشور هم خبرنگار دارد . از جمله در مسکو و پایتخت های چند کشور سوسیالیستی دیگر و همچنین در

www.iran-archive.com

پاریس ، نیویورک ، بروکسل ، لندن وغیره .

چاپخانه ای که د . اپیکاربس مدیریخش چاپ واز پیشکسوتان مطبوعات حزبی بمن نشاند ادمراشد یداً تحت تأثیر قرارداد . درآنجا ۱۷۰ نفرکه اکثرشان کمونیست یا عضوسازمان جوانان حزب کمونیست هستند کارمیکنند . آنهابا وسائل تکنیکی بغرنجی کارمیکنند که ازلحاظ سطح خود ازپیشرفته ترین وسائل تکنیکی دریونان است . میان آنها دستگاههای چاپ عکس وماشین های سریع چاپ رنگی جلب توجه میکنند . چاپخانه علاوه برتأمین چاپ "ریزوسپاستیس" وسایرروزنامه ها ونشریات حزب کمونیست یونان وهفته نامه جوانان "ادیگیتیس" سفارشات دیگری راهم انجام میدهد .

"ریزوسپاستیس" اکنون آزادانه درتمام کیوسک های یونان بفروش میرسد . رکلام های روزنامه درخیابان های مرکزی پایتخت خود نمائی میکنند . هزاران تن ازفعالین حزب روزنامه ویژه یکشنبه راکه باسلیقه چاپ وآراسته شده "خانه به خانه" به محلاتی میبرند که کارگران ، کارمندان وپیشه وران زندگی میکنند . درروزهای عادی هفته هم افراد حزبی داوطلب پخش روزنامه رامیتوان صبح سحرجلوی درکارخانه هادید . ندای حقیقت ازصبح زود بهزحمتکشان میرسد.

ــ من ازك . نیکولتسوس رئیس حسابداری روزنامه میپرسم آیا ازلحاظ تأمین مادی مسائل حل نشده ای هست ؟ اومیگوید :

ــ البته ، برخلاف مطبوعات بورژوائی هدف ما بدست آوردن سود بهرقیمت نیست .

بهای روزنامه همیشه درنازل ترین سطح ممکن ازلحاظ قانونی باقی میماند . صاحبان کیوسک ها که درصد معینی ازفروش را میگیرند بیشترطالب نشریات گرانترهستند . باید گفت همه آنها هم از لحاظ سیاسی علاقه ای به حزب کمونیست ندارند . بهمین سبب هنوزتعدادروزنامه هائی که بفروش نرسیده وبازمیگردانند خیلی زیاد است واین زیان خالص است . ازکلام های پولی هم زیاد استفاده نمیکنیم . گذشته ازاین بنگاههای خصوصی وسرمایه داران آنها رابا میل ورغبت بما نمیدهند . . .

ولی کمبود اعتبارمالی "ریزوسپاستیس" که بکمك حزب جبران میشود نسبتا زیاد نیست .

دراینجا نمیتوان ازکمك دهندگان بما ، ازکمونیست ها وهواداران حزب ، بهنیکی یاد نکرد . اینها معمولاً افرادی هستند که میزان درآمدشان متوسط است . آنها به بهانه های گوناگون ، اغلب بیاد خویشاوندان ودوستانی که درمبارزات ویا درزندانها بهلاکت رسیده اند اطلاعیه ای کوتاه همراه با حواله پولی به دفترروزنامه میفرستند . علاوه براین باوجود گرانی روزافزون کاغذ ورنگ ومانند اینها هزینه روزنامه کمتر ازانتشارات بورژوائی است . هم روزنامه نگاران وهم کارکنان چاپخانه حقوق کمی راکه حزب معین میکند میگیرند ، اغلب بطورایگان کارمیکنند ووقت آزادشان راصرف کاری

میکنند که مفهوم زندگی آنها راتشکیل میدهد .

"ریزوسپاستیس" نوعی ناقوسی بود هوهست که ذهن ها رابیدار میکند . این روزنامه به اتحاد بسیاری ازمبارزان کهنسالی که درگذشته دراثر اقدامات تفرقه افکنانه تجدید نظر طلبان ازراه راست منحرف شده بودند درزیرپرچم حزب یاری رساند وبه حزب کمونیست یونان کمك کرد درجنبش ضد یکائی نفوذ کند وبه گسترش مبارزه زنان وجوانان یاری رساند . هیچ درگیری طبقاتی وياتظاهرات نیروهای دموکراتیك رانمیتوان سراغ گرفت که ازطرف "ریزوسپاستیس" مورد حمایت قرارنگرفته باشد . حمایتی که بسیارفعالانه واغلب تعیین کننده موفقیت ازآغازعمل بوده است .

وقتی یك اقدام عظیم سیاسی تدارك دیده میشود ، روزنامه هم بعنوان مبلغ وهم بمنزله سازمان دهنده عمل میکند . درصفحات روزنامه مقالاتی باموضوع تظاهراتی که باید انجام شود ، مصاحبه باشخصیت های برجسته اجتماعی ومتخصصین معتبربچاپ میرسد که اغلب کمونیست هم نیستند . درروزنامه اطلاعاتی هم درباره اینکه تدارك تظاهرات درپخش های مختلف کشورچگونه پیش میرود وبالاخره نقشه مشخص تمام اقدامی که باید صورت بگیرد بانشاندادن جای مشخص وزمان دقیق گردآمدن شرکت کنندگان درج میشود .

بطورمثال ، ۶ اوت سال جاری ، هنگامیکه دراطراف آکروپل کهن رادوخط زنجیرزنده ازکودکان وبزرگسالان درچهارچوب دهه صلح که دریونان برگزارمیشد احاطه کرد نیزهمینطوربود. "ریزوسپاستیس" شعارهای دهه رادرسراسرکشورپخش کرد : "جنگ ستارگان ــ نه ! " ، "بالکان رابايد بمنطقه خالی ازسلاح هسته ای مبدل کرد !" ، "دریای مدیترانه بايد دریای صلح باشد !" نمایندگان سازمانهای ضد جنگ ، زنان وجوانان که درجنبش توده ای "فراخوان آکروپل" متحد شده بودند ، بوسیله صفحات روزنامه ازتصمیم اتحاد شوروی درباره متوقف ساختن یکجانبه هرگونه انفجارهسته ای استقبال کردند .

مطالب جدی ومستدل مندرج درروزنامه نه فقط توجه فراوان کارگران خواننده ، بلکه محافل دیگراهالی زحمتکش راهم به "ریزوسپاستیس" جلب میکند وحتی احترام مخالفان سیاسی را هم برمیانگیزد . بارها کوشش کردند نشریه را با سرهم کردن شکایات وازطریق کشاندن کار بدادگاه تضعیف کنند ولی هربار این تلاشها با شکست روبروگردید . بطوریکه دردفتراداره برایم تعریف کردند روزنامه درهیچیك ازجریانهای دادرسی که علیه آن تشکیل یافته بود ، بازنده نبود .

یکسال پیش ، هنگامیکه دهمین سالگرد انتشار "ریزوسپاستیس" بطورعلنی برگزارمیشد ، مجموع هزارجائی که سالن خانه حزب گنجایش دارد طی پنج شب متوالی پربود . درآنجا بحث ومذاکره گسترده ای جریان داشت که راه درازی راکه روزنامه همواره بسوی پیشرفت واعتلا طی

www.iran-archive.com

کرده بود وهمچنین د شواریهای کارومسائلی راکه روزنامه باآن روبرواست نشان میداد . تذکرات وپیشنهاد های سازنده بسیاری ازطرف شرکت کنندگان ارائه شد . رفیق خ .فلوراکیس ، د بیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان د رپایان سخن گفت :

ــ مامیخواهیم "ریزوسپاستیس" ماخصائص وسیاست حزب مارا تاعالیترین د رجه بـــا احساس مسئولیت ، بطورزنده ، بابیانی ساده وقانع کننده منعکس کند ، به زحمتکشان تاحد ممکن اطلاعات هرچه کاملتری بد هد ، ماهیت مبارزه شان راروشن سازد ، مفهوم ومعنای تحولات و تغییرات واقعی راکه د رسوسیالیسم رویمید هد وهد فهای سوسیالیسم وهرآنچه راکه د رجامعـه ماسترقی ود موکراتیك است بیان د ارد . . .

سپس سخنران خطاب بهتمام روزنامه نگاران یونانی که کشورخود را د وست د ارند وبرای استقلال ملی وکاهش تشنج ارزش قائل هستند ازآنهاخواست د رباره خطرمرگبارجنگ هسته ای واقعیات رابنویسند وسهم خود راد رامرتبد یل شبه جزیره بالکان ود ریای مد یترانه به منطقه خالی ازسلاح هسته ای اداکنند ود رراه پیروزی صلح وهمکاری بین المللی د رروی زمین مبارزه نمایند .

وظایف مسئولیتی راکه حزب د رابرا "ریزوسپاستیس" قرارمید هد جمع نویسندگـــان و کارکنان آن شرافتمنـــد انه انجام مید هند .

ولا د یمیرشلیمـــن

کارمند مجلهٔ "مسا ئل صلح وسوسیالیسم"

آتـــن ــ پراگ

اتحاد شوروی در نقطهٔ مقابل نقشه های میلیتاریزه کردن فضای کیهانی چه ارائه میکند

اکنون ، اینطورکه من د رك میکنم ، جامعه بشری برسرد وراهی قرارگرفته است : د ر فضای کیهانی صلح برقرارباشد یانباشد ؟ د رارتباط بااین موضوع ، آنچه برای من وبسیاری از د وستانم جالب توجه است ، این است که موضع اتحاد شوروی چیست . این مسئله ایست کـه د ر کشورما اخبارواطلاعات زیاد ی د رباره آن منتشر نمیکنند .

خوآن گوتیرس . اسپانیا

پاسخی راکه مادرج میکنیم پروفسورپوری کولوسُف د کترد رعلوم حقوق ازشرکت کنند گان د ر مجامع بین المللی ویژهٔ استفاده صلح آمیزازفضای کیهانی (ازجمله د رچهارچوب سازمان ملل متحد) وپوری رحمانین د کترد رعلوم تاریخی ، شرکت کننده د رکنفرانس امنیت وهمکاری اروپـــا وکنفرانس استکهلم ویژهٔ تدابیرافزایش اعتماد ، امنیت وخلع سلاح د راروپاتهیه کرده اند .

د رواقع همسئله پژوهش فضای کیهانی واستفاده ازآن یکی ازحاد ترین مسائل زندگـــی بین المللی معاصراست . وضع زندگی د رزمان حال وآیندهٔ جامعه بشری بمیزان زیاد ی وابسته بد ین است که این مسئله چگونه حل شود .

ك . تسیولکفسکی د انشمند بزرگ شوروی تیزبینانه پیش بینی کرد که زمانی فراخواهد رسید که فضای کیهانی به انسانها گوهبانی غله وقد رتی بی پایان" هد یه خواهد کرد (۱) . اکنـــون جهان د رآستانه چنین مرحله ایست . ماهیت این مسئله باتمام تضاد ش د رسخنان بنیانگـــذار کیهان شناسی عرض اندام میکند . تکنیك فضائی برای بهبود زندگی د رروی زمین گسترده ترین

۱ ــ ك . تسیولکفسکی ، بمن باورکنید ! (سرآغازی بررساله : نخستین مدل آئروناوت ازآهن موجی) کالوگا ، سال ۱۹۱۳ ، صفحهٔ ۱ .

www.iran-archive.com

امکانات راد راختیار پیشرفت قرار میدهد . اینک بکمک آن انواع گوناگون ارتباطات تأمین میگردد که تلویزیون مابین قاره ها از جمله آنها است ، در عین حال کشتی رانی وهواشناسی تکمیل میگردد ، سطح سیاره ها برای استفاده در زمین شناسی ، اقیانوس شناسی وکشاورزی بررسی وشناسائی میگردد . اینک انسانها به زیستن در اطراف کره زمین عادت میکنند . فضانوردی شوروی با ثبات رسانید که در شرایط بی وزنی میتوان بطور ثمربخش طی چند ین ماه فعالیت کرد . تسخیر فضای کیهانی میتواند بسود تمام جامعه بشری باشد ، زیرا تمام کشورها ، از کوچك وبزرگ ، بدون استثناء در استفاده از ثمرات دست آورد های فضانوردی ذینفع میباشند (۱) .

در عین حال فضای کیهانی موردی برای تدارکات گسترده نظامی میگردد که گامهای دستگاه اداری واشنگتن در تحقق نقشه های " جنگ ستارگان " خود بدین گواهی میدهد .

رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا ۲۳ مارس سال ۱۹۸۳ فرمان ایجاد سیستم دفاع ضد موشك مستقر در فضای کیهانی را صادر کرد . مقصود از این اقدام فلج ساختن موشك های قاره پیمای هدایت شونده شوروی است تا بدین ترتیب امکان خارج ساختن سرزمین ایالات متحده از زیر ضربه تامین گردد . نتیجه این کار گریز از مجازات در صورت وارد آوردن نخستین ضربه به شوروی ومتحدین آنست .

بطوریکه در پروشور تازه شوروی تحت عنوان (" جنگ ستارگان " : تصورات باطل وخطر های موجود) تأکید میگردد بدین ترتیب سیستم کیهانی دفاع ضد موشك ، بمنظور برهم زدن توازن نظامی ـ استراتژیك بسود ایالات متحده وایجاد برتریهای نظامی یکجانبه است . این قبیل هدفها را بهیچوجه نمیتوان در زمره هدفهای دفاعی بشمار آورد (۲) .

پنتاگون با پیروی از دکترین نخستین ضربه اتمی شروع به ایجاد سیستم ضد ماهوارهٔ آسات کرد که هدف از آن " نابینا " و " ناشنوا " ساختن دشمنی است کهنیروهای خود را بکمك سیستم ارتباطی وهدایت کیهانی اداره وهدایت میکند . نخستین آزمایش سیستم آسات که در سال ۱۹۸۴ انجام گردید در ایالات متحده امریکا بمنزله " علامتی برای شروع مسابقه تسلیحاتی در فضای کیهانی ارزیابی شد ."

---

۱ ـ هم اکنون سیستم های ارتباطی بین المللی " اینترسپوتنیك " (با اشتراك کشورهای سوسیالیستی بطور عمده) و " اینتلسات (کهبطور عمده کشورهای سرمایه داری و در حال رشد اعضای آن هستند) و " اینمارسات " (که در آن تعدادی از کشورهای سوسیالیستی وبرخی از کشورهای در حال رشد وسرمایه داری عضویت دارند) با موفقیت کار میکند . سیستم بین المللی " کوسپاس " ـ و " سارسات " هم کهبرای پیدا کردن بموقع کشتی ها وهواپیماهائی است که دستخوش سانحه میگردند نیز بطور آزمایشی شروع بکار کرده است .

۲ ـ رجوع کنید به (" جنگ ستارگان " : تصورات باطل وخطرهای موجود) مسکو ، سال ۱۹۸۵ ، صفحات ۱۰ ـ ۸ .

پیشرفت تکنیك فضائی در این جهت میتواند منجر بدان گردد که " قدرت بی پایانی " که ایجاد میشود به بلیه عظیمی برای کره زمین مبدل شود . معانعت از جریان رویداد ها در این سمت بسود هریك از خلقها وهریك از کشورها است .

اتحاد شوروی که بروشنی مجسم میکند میلیتاریزه کردن فضای کیهانی بچه نتایج خطرناکی خواهد انجامید همواره مُصراً وبطور پیگیر در جستجوی دست یافتن به توافق هائی در این جهت بود وهست که از کشانده شدن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی جلوگیری کند .

۱۸ مارس و ۳۰ آوریل سال ۱۹۵۷ یعنی هنوز چند ماه پیش از پرتاب نخستین قمر مصنوعی از طرف اتحاد شوروی بدور زمین ، هیئت نمایندگی اتحاد شوروی در کمیته جنبکمیسیون سازمان ملل متحد ویژهٔ خلع سلاح پیشنهاد کرد تا درباره استفاده از موشك فقط برای مقاصد صلح آمیز به یك توافق بین المللی دست یابند . در سال ۱۹۵۸ کشور شوروی روی تثبیت قدغن ساختن استفاده از فضای کیهانی برای مقاصد نظامی وگسترش همکاری بین المللی در عرصه آموزش فضای آنسوی کره زمین بموجب یك قرارداد بین المللی ـ حقوقی در سازمان ملل متحد اصرار میورزید . در طرح اعلامیه ای درباره خلع سلاح همگانی وکامل که از طرف اتحاد شوروی برای بحث ومذاکره در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۵۹ پیشنهاد شد تأکید میگردید که همه موشکهای نظامی با برد های گوناگون باید نابود شود وتکنیك موشکی فقط بمنزله وسیله نقلیه وتسخیر فضای کیهانی برای خیر وصلاح تمام جامعه بشری باقی بماند . طرح قرارداد مربوط به خلع سلاح همگانی وکامل بشرط کنترل بین المللی جدی که اتحاد شوروی در سال ۱۹۶۲ به سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد حاوی ماده ای درباره نابود ساختن مرحله بمرحلهٔ تمام انواع سلاحها واز بین بردن ومتوقف ساختن تولید تمام سیستم های حمل ونقل سلاح هسته ای واز جمله موشکهای با اندازه و برد گوناگون بود .

دولت اتحاد شوروی بمنظور ایجاد مانع ورادع قابل اطمینانی برسر راه تمایلات مبدل ساختن محیط اطراف کره زمین به عرصه مسابقه تسلیحاتی ویا بدتر از آن بعرصه رویاروئی نظامی در طرح قرارداد جهانی درباره عدم استفاده از قهر در مناسبات بین المللی ، عدم استعمال نیروهای نظامی با استفاده از هرنوع اسلحه ای که میخواهد باشد (از جمله سلاح هسته ای وسایر وسائل نابودی جمعی) در فضای کیهانی را پیش بینی کرده بود (طرح در سال ۱۹۷۶ به سازمان ملل متحد عرضه شده بود) .

برای تحقق برنامه صلح سالهای ۸۰ که از طرف بیست وششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بتصویب رسید (فوریه سال ۱۹۸۱) اتحاد شوروی مجموعه پیشنهاداتی را ارائه

www.iran-archive.com

کرد که هدف ازآنها متوقف ساختن مسابقه‌تسلیحاتی وفراهم آوردن شرایط برای برداشتن گام هائی درجهت خلع سلاح واقعی بود . ازجمله باتوجه به خطری‌که‌نقشه های میلیتاریزه کردن فضای کیهانی که ایالات متحده امریکاانجام آنهارا درنظردارد ، اتحاد شوروی درسال ۱۹۸۱ به سازمان‌ملل‌متحد طرح قرارداد قدغن‌ساختن استقرارهرنوع سلاحی درفضای‌کیهانی را ارائه داشت ،اندیشه این طرح ازطرف اکثریت قاطع کشورها مورد تأیید قرارگرفت .

دوسال بعد اتحاد شوروی پیشنهاد کرد گامی فراترنهاده شود وقراردادی درباره قدغن ساختن‌گسترش دوردقوه قهریه درفضای کیهانی وازآنجاهلیه‌کره زمین منعقد گردد و خود نیزمتعهد گردید دراستقرارهیچ نوع سلاح ضدماهواره درفضای‌کیهانی پیشدستی نکند . بعبارت دیگر اتحاد شوروی بطوریکجانبه پرتابین قبیل سلاحهاراتازمانیکه سایرکشورهاوازجمله ایالات متحده امریکاازاستقرارسلاح ضدماهواره درفضای کیهانی خودداری‌کنند ، متوقف ساخت .

درسال ۱۹۸۴ نخستین‌کمیته مجمع‌عمومی سازمان‌ملل‌متحد طرح قطعنامه ای‌راکه اتحاد شوروی ارائه کرده بود مورد بحث ومذاکره قرارداد . قطعنامه درباره " استفاده ازفضای کیهانی فقط برای هدفهای مسالمت‌آمیزوبه خیروصلاح جامعه بشری " بود . دراین سند قید میشد که‌کشاندن مسابقه‌تسلیحاتی به فضای کیهانی به افزایش شدید خطرجنگ هسته ای‌منجر میگردد ، درونمای کاهش ومحدودساختن تسلیحات بطورکلی راازمین می برد ودرراه همکاری بین المللی بمنظورتسخیرمسالمت‌آمیزفضای‌کیهانی موانع برطرف نشدنی بوجود میآورد . قطعنامه " جلوگیری ازمسابقه تسلیحاتی درفضای‌کیهانی " رانمایندگان ۱۵۰ هیئت نمایندگی مورد تأیید قراردادند (ایالات متحده امریکاازآن پشتیبانی نکرد) ، وقطعنامه " همکاری بین المللی در استفاده ازفضای‌کیهانی برای مقاصد صلح‌آمیز" بدون رأی گیری باتفاق‌آراء بتصویب رسید .

بالاخره ، اتحاد شوروی درژوئیه ۱۹۸۵ بطوریکجانبه انجام‌هرگونه آزمایش‌هسته ای راتا اول ژانویه سال ۱۹۸۶ متوقف ساخت .

درنتیجه ابتکارهای اتحاد شوروی ، سایرکشورهای سوسیالیستی وپاپشتیبانی نیروهای صلحدوست تاکنون یک‌سلسله موافقت نامه درمورد استفاده ازفضای‌کیهانی برای‌مقاصد صلح آمیز بامضاء رسیده که علاوه برمسائل دیگرحاوی موازینی میباشند که تاحدود معینی امکان استفاده ازآن برای مقاصد نظامی رامحدود میسازند . صحبت برسرحذف فضای‌کیهانی ازعرصه آزمایش های هسته ای ، قدغن ساختن پرتاب هرنوع ماهواره ای‌کهحامل سلاح هسته ای یاهرنوع سلاح نابودی جمعی باشدبه فضای اطراف زمین ، یااستقرارآنهادراجرام سماوی ودرفضای‌کیهانی به نحوی از انحاء است . همچنین اجازه داده‌نمیشود که ازفضای کیهانی بمنظورهدایت پروسه های‌طبیعی

درراهنیات سوء استفاده شود .

تماهموازین حقوق بین المللی فضای‌کیهانی تحتتأثیراندیشه‌های‌مترقی که (باید براین نکته تأکید کرد) بطورپیگیرازطرف اتحاد شوروی وتمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی دنبال میشد فرمول‌بندی شده است . کاملاً طبیعی است که این‌موازین ، هراندازه هم گسترده محدود باشند ، تاکنون نقش روزافزونی درجلوگیری ازرقابت نظامی درفضای‌کیهانی جلوگیری‌کرده‌اند جلوگیری‌میکنند ودرآینده‌هم جلوگیری‌خواهند کرد .

توافق‌های دوجانبه شوروی وامریکاازجهات مهم مبارزه درراه فضای‌کیهانی مسالمت‌آمیز است . درسال ۱۹۷۲ قرارداد موقتی درباره برخی تدابیردرعرصه‌محدود ساختن تسلیحات استراتژیک تعرضی (سالت ــ ۱) ودرسال ۱۹۷۹ قرارداد محدودیت تسلیحات استراتژیک تعرضی (سالت ــ ۲) بامضاء رسید (۱) . قراردادی‌که درباره محدودیت سیستم دفاع ضد موشک درسال ۱۹۷۲ وپروتکل تکمیلی آن درسال ۱۹۷۴ میان اتحاد شوروی وایالات متحده امریکابامضاء رسیدازاهمیت ویژه ای برخوردارمیباشد ، طرفین موظفند سیستم های‌دفاع ضد موشک صرفنظرازانواع گوناگون استقرارآنها (ازجمله درفضای‌کیهانی) یااجزاء وبخش هائی ازآن‌سیستم هارانه ایجاد کنند ، نه‌آزمایش نمایند ونه‌مستقرسازند . مشی‌کنونی واشنگتن یامشی " جنگ ستارگان " درجهت نقض مستقیم این‌مواد است .

درژانویه سال ۱۹۸۵ اتحاد شوروی وایالات متحده امریکامشترکاً هدفهای‌مذاکرات ژنو رامعین کردند . این‌هدفهاعبارتنداز " تنظیم وتدوین توافق‌های‌ثمربخش درجهت جلوگیری‌از مسابقه‌تسلیحاتی درفضای‌کیهانی ومتوقف ساختن آن درروی زمین ، محدودیت وکاهش تسلیحات هسته ای‌وتحکیم‌ثبات استراتژیک " (۲) . ولی‌فعلاً جریان مذاکرات براین‌گواهی میدهد که ایالات متحده امریکاعمداً ازبحث ومذاکره ثمربخش وانجام این‌مجموعه وظایف سرباززمیزند .

بطوریکه رفیق م . س . گارباچف دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی‌خاطرنشان ساخت مسئله معاشت ازمیلیتاریزه شدن فضای‌کیهانی نیازمند برخوردی دلیرانه است . دراینمورد ، تصورنمیرود که معیارهای گذشته و تصورات کوته‌بینانه درباره منافع وبرتریهای یکجانبه‌ای که‌درعین‌حال واهی وبی پایه اند ، قابل انطباق باشند . اکنون ، بیش ازهرزمان دیگری سیاستی دوراندیشانه مبتنی بردرک واقعیات وخطراتی کهمانا گزیرفرد اباآنها روبروخواهیم شد ضروری‌است .

---

۱ ــ (سالت ــ ۲) بعلت‌عدم موافقت ایالات متحده امریکاباتصویب آن رسمیت قانونی‌نیافته است .

۲ ــ پراودا ، نهم ژانویه سال ۱۹۸۵ .

www.iran-archive.com

این خطرات واقعیت خواهد یافت ، اگر امروز کسانیکه میتوانند وباید بگانه تصمیم درست را بگیرند ازمسئولیتی که بعهده آنها است سرپیچی کنند (۱) .

تاریخ براین گواهی میدهد که عاقلانه تر این است که توافق بعمل آید که هیچ تسلیحاتی بوجود آورده نشود تا اینکه بعداً درجستجوی راههای نابود ساختن آنها برآیند . کوشش برای دست یافتن به استقرار رژیم فضای کیهانی مسالمت آمیز اکنون که هنوز درآنجا وسایل ضربتی کیهانی استقرار نیافته ضروریست . درست بهمین سبب مبارزه اتحاد شوروی وسایر نیروهای صلحدوست علیه میلیتاریزه شدن فضای کیهانی ، اینك بویژه اهمیت فراوانی برای سرنوشت تمام جامعه بشری کسب میکند .

بقیه ازصفحهٔ ۲۹

ایدئولوژیك راکنارنهاده وتلاشهای خود رابرای دست یافتن به خواست درجه اول ، یعنی بقای جامعه بشری متمرکزکنند . درعین حال ماموظفیم بطرزقانع کننده ومفهومی باثبات رسانیم که آنتی سوویتیسم خطری جدی است ومانعی درراه متوقف کردن تولید سلاح هسته ای ، خلع سلاح وکاهش تشنج بین المللی میباشد .

ایجاد ائتلاف دولتی سراسرکانادا برای صلح با برنامه ای مشترك گامهمی درراه وحدت طرفداران صلح میبود . این اندیشه درخطوط مشخصی درحال شکل گرفتن است ، میان گروههای گوناگون مخالف جنگ برسرانجام دیداری درنوامبرامسال درتورنتو توافق شده است وهدف آن بنیانگذاری چنین ائتلافی است . سیرورویدادها بدینصورت امکانات بالقوه زیادی ایجاد میکند ، زیرا امکان میدهد تمام جنبش دفاع ازصلح را دراطراف این خواست متحد کرد که سیاست خارجی کانادا به عامل صلح وامنیت بین المللی وملی مبدل گردد .

---

۱ ــ پراودا ، ٦ ژوئیه سال ۱۹۸۵ .

خبرهای کوتاه

ابتکارمشترك

در برلن وین طرح " قراردادی برای تشکیل یك منطقه خالی ازسلاح شیمیائی در اروپا " انتشاریافت . این طرح بوسیله یك گروه کارازحزب سوسیالیست متحد آلمان وحزب سوسیال دموکرات آلمان تهیه وتدوین شده بود . ارگانهای رهبری هردوحزب اظهارامیدواری میکنند که موافقت نامه تکانه ای به مذاکرات میان دولتهای ذینفع بدهد وتوجه کنفرانس خلع سلاح ژنو را بخود جلب نماید .

برزیل

حزب کمونیست برزیل اطلاع داد که حاضراست همراه با سایرنیروهای دموکراتیك در انتخابات ارگانهای حاکمیت محلی که برای اواسط نوامبرامسال معین شده ، شرکت کند .

ژاپن

در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست ژاپن تصمیم گرفته شد که کنگره هفدهم حزب کمونیست ژاپن درنوامبرسال ۱۹۸۵ درآتامی تشکیل گردد . علاوه برگزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست ژاپن درنظراست درکنگره مسئله انجام برخی تغییرات درپرنامه واساسنامه حزب هم مورد بحث ومذاکره قرارگیرد . کمیته مرکزی اعضای حزب رافراخواند تادردوران پیش ازتشکیل کنگره جنبشی رابرای افزایش تعداد اعضای حزب تا ۵۰۰۰۰۰ نفروافزایش تعداد خوانندگان روزنامه های ارگان حزب تا ٤ میلیون نفرآغازکنند .

فرانسه

در شامینی ــ سورــ مارن ، درناحیه " کمربند سرخ " پاریس نخستین موزه ملی تاریخ مقاومت گشایش یافت . موزه بکمك اعانه داوطلبانه اهالی که جمع آوری آن ازطرف کمونیست ها سازمان داده شده بود ، ساخته شده است .

www.iran-archive.com

کوبا

کمیته‌مرکزی‌حزب‌کمونیست کوبا با د رنظرگرفتن لزوم تهیه د قیق اسناد مهم حزبی وبحث ومذاکره آنها د رحزب (د ر د رجه اول برنامه حزب) تصمیم گرفت سومین‌کنگره حزب کمونیست کوبا راکه قرار بود د ر د سامبره ۱۹۸ تشکیل‌گرد د تا (چهارم ــ هفتم) فوریه سال ۱۹۸۶ بتأخیر اند ازد .

مکزیکو

د هها هزار نفر از اهالی مکزیک ازجشن سنتی حزب سوسیالیست متحد مکزیک که د ر زیر شعار " مبارزه علیه امپریالیسم " برگزار گرد ید ، د یدن کرد ند . د رآنجا د یدارهائی با رهبران حزب سوسیالیست متحد مکزیک صورت گرفت ومباحثات و" میزگرد ی" تشکیل‌گرد ید که د رآنها مسائل حاد بین المللی ومسائل د اخلی کهمورد توجه محافل اجتماعی مکزیک است مورد مذاکره قرارگرفت .

اسپانیا

د رماد رید جشن سنتی حزب کمونیست اسپانیا برگزار گرد ید . هزارها نفر از ساکنین پایتخت ونمایند گان بیشماری‌که از تمام نقاط کشور آمد ه بود ند از د هها غرفه د ید ن کرد ند . این غرفه ها به سازمانهای حزبی ایالات ، نمایشگاه ارگان‌حزب کمونیست اسپانیا بنام " موند و اُبررو" اختصاص یافته بود . د ریکی از غرفه های بین المللی وبترین های روزنامه‌های احزاب برادر و جنبش های آزاد یبخش ملی قرار داشت . د رمید انهای ویژه هنرمند ان حرفه ای و آماتور اسپانیائی ونیز هنرمند ان خارجی برنامه های متنوع هنری اجرا کرد ند .

آنگولا

کمیته‌مرکزی حزب ام . پ. ال . آ . ، حزب کار آنگولا تصمیم گرفت د ومین کنگره نوبتی خود را د ر د سامبر سال ۱۹۸۵ تشکیل د هد . کنگره فعالیت های حزب وارگانهای د ولتی طی د هسال موجود یت مستقل کشور را ارزیابی میکند ، جهات اساسی تکامل وپیشرفت آتی اقتصاد را بتصویب میرساند و د ربرنامه واساسنامه حزب تغییراتی مید هد .

بلغارستان

حزب کمونیست بلغارستان د رتهیه وتد ارک سیزد همین کنگره خود به بهبود کیفی ترکیب حزب وافزایش وتکمیل صفوف آن توجه فراوانی مبذ ول مید ارد . د رژوئیه سال جاری حزب‌کمونیست بلغارستان بیش از ۹۱۲ ۰۰۰ نفر اد رصفوف خود متحد میساخت که ۸۷ ۰۰۰ نفر بیشتر از سال ۱۹۸۱ است . ۵۳ د رصد از کسانیکه د راین د وران بعضویت حزب پذ یرفته شد ه اند ، کارگرهستند .

کنگو

بیش از ۱ ۵۰۰ نفر از اعضاء حزب کار کنگو از سال ۱۹۷۹ به اینطرف مد رسه‌عالی حزبی را د ربرازاویل باتمام رسانید ه اند . اکنون مد ارس حزبی د رتمام نه مرکز ایالتی کشور هم تأسیس شده است .

لبنان

حزب کمونیست لبنان همراه با برخی از احزاب وسازمانهای مترقی د یگر به عضویت جبهه اتحاد ملی د رآمد ند . این اتحاد د راوت سال جاری د راجلاسیه نمایند گان نیروهای میهن پرست متعلق بمجامع مسلمان ومسیحی لبنان تأسیس گرد ید . کمونیست ها تشکیل جبهه را بمثابه گام قاطعی د رراه تهیه‌وتد وین‌برنامه ای د موکراتیک ارزیابی میکنند که پاسخگوی منافع اکثریت قاطع اهالی لبنان است .

لوکزامبورگ

حزب کمونیست لوکزامبورگ پشتیبانی خود را از اند یشه ایجاد یک منطقه خالی از سلاح شیمیائی د راروپای مرکزی اعلام کرد . بطوریکه‌کمیته اجرائیه کمیته مرکزی حزب‌کمونیست لوکزامبورگ خاطرنشان ساخت ، د ولت لوکزامبورگ هم اکنون هم‌میتوانست برای تحقق این ابتکار کمک لازم را مبذ ول د ارد وبطوریکجانبه آماد گی خود را برای اینکه سرزمین لوکزامبورگ را به چنین منطقه ای مبد ل کند اعلام نماید .

www.iran-archive.com

مجله "مسائل بین‌المللی" که هردوماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۹ و ۱۰ (سپتامبر ـ اکتبر) سال ۱۹۸۵ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and Information Journal of Communist and Workers' Parties throughout the world

No 9 ; 10 1985

www.iran-archive.com